بسم الله الرحمن الرحیم و به نستعین

الحمد لله رب العالمین والصلوة والسلام علی اشرف الاولین والآخرین وعلی آله الطیبین الطاهرین **و بعد** چنین گوید اقل خلیقه محمد مهدی بن المحقق العلامه الحاج محمد ابراهیم عفی الله عنهما که این مقصدیست در مناسک حج از هدایة الطالبین **بدانکه** حج شرعا عبارتست از افعالی چند که بجا آورده میشود در مشاعر مخصوصه که تفصیل آن خواهد شد چنانکه عمره نیز چنین است و در آن بیان مقدمه و چند مبحث و یک خاتمه است **اما مقدمه** پس در آن سه مطلب است **مطلب اول** در فضیلت حج **بدانکه** فضیلت آن بسیار است و عقاب ترک آن عظیم است در حدیث است که پیغمبر صلی الله علیه و آله فرمودند که یک حج بهتر است از دنیا و آنچه در آنست و حج مبرور را نیست از برای آن اجری مگر بهشت و در حدیث دیگر است از حضرت صادق علیه السلام از پدران خود که فرمودند اعرابی خدمت رسول خدا صلی الله علیه و آله رسید عرض نمود یا رسول الله بدرستیکه من بیرون آمدم اراده حج داشتم و فوت شد از من و من مردی صاحب مال دارم پس امر فرما که بکنم در مال خود آنچه بکنم بآن مثل ثواب حج کننده را پس رسول خدا روی مبارک را بآن شخص کردند و فرمودند نظر کن بکوه ابوقبیس پس اگر کوه ابوقبیس از برای تو طلای سرخ شود و صرف نمائی آنرا در راه خدا

ابی

رسید آنچه را که بآن میرسد حج کننده بعد از آن حضرت فرمودند بدرستیکه شخصی که اراده حج کند هرگاه شروع در تهیه سفر کند بر نمیدارد چیزی را و نمیگذارد او را مگر آنکه می‌نویسد خدا از برای او ده حسنه و محو مینماید از او ده سیئه و بلند مینماید از برای او ده درجه **پس** هرگاه براه سفر شود بر نمیدارد گامی و نمیگذارد او را مگر آنکه می‌نویسد حق تعالی از برای او مثل آنچه را که ذکر شد **پس** هرگاه طواف کند خانه کعبه را بیرون میرود از گناهان خود **پس** هرگاه وقوف نماید بمشعر الحرام بیرون میرود از گناهان خود **پس** هرگاه رمی جمار نماید بیرون میرود از گناهان خود پس شمردند رسول خدا صلی الله علیه و آله مواقف چند که هرگاه وقوف نماید در آن مواقف حاجی بیرون میرود از گناهان خود پس بعد از آن فرمودند کجاست از برای تو آنچه میرسد حاجی را که میرسد حج از حضرت صادق علیه السلام بعد از این حکایت فرمودند که نوشته نمیشود بر آن گناهان در چهار ماه و نوشته میشود از برای او حسنات مگر آنکه بعمل آورد کبیره را و در حدیث است از پیغمبر خدا که فرمودند ثواب آن بهشت است و غیره کفاره گناهان است و در حدیث صحیح است که یک حج افضل است از عتق هفتاد بنده و در حدیث است از پیغمبر خدا صلی الله علیه و آله که فرمودند داخل شدن در کعبه داخل شدن در رحمت خداست و بیرون آمدن از آن بیرون آمدن از گناهان است معصوم خواهد بود در بقیه عمر خود و بالجمله احادیث در فضیلت آن بسیار است و اما عقاب ترک آن پس بسیار عظیم است در حدیث صحیح است که هرگاه شخصی بمیرد و ترک نماید حجة الاسلام را در حالتیکه مانع نشده باشد او را حاجتی ظاهر یا احتیاجی داشته باشد یا مرضی که نتواند داشته باشد از حج کردن یا سلطانی که منع کند او را از حج پس چنین بمیرد از یهود محسوب خواهد شد یا از نصاری **مطلب دوم** در بیان بعضی از آداب سفر

حج بلکه مطلق سفر بده بلکه سنت است از برای کسیکه بسفر حج مشرف شود بلکه مطلق سفر رفتن که قطع علایق
نمایان خود در میان ارباب معاملات خود نماید و بر ساختن حق هر صاحب حقی را الحق خود جو کمال اهتمام
از امورات اهتمام نمودن در بری نمودن ذمه خود است از حقوق الهی و حقوق الناس بر جمیع احوال
حضور مومنین مسافرت بجا از سفر مکه معظمه که مقصود طاعت خداوند عالم است بلکه سنت است
وصیت کردن بر کسیکه اراده سفر حج نماید و سنت است اختیار نمودن روزی را از برای بیرون
رفتن که صلاحیت داشته باشد از برای سفر مثل روز شنبه یا سه شنبه هرگاه قمر در عقرب نباشد بلکه در
روز دوشنبه نیز خوب است چنانچه جناب علی ابن ابیطالب علیه السلام فرموده اند وفی الاثنین ان سافرت فیه
ستظفر بالنجاح و بالثراء ثم قال وهذا العلم ما لا یعلمه الا نبی او وصی الانبیاء
و سنت است اختیار نمودن رفیق صالح از برای سفر و نیکو نمودن خلق خود را زیاده بر حضر و نیکو نمودن
کلام خود را و اطعام نمودن بر رفقای سفر و خیر رسانیدن و توسعه دادن با ایشان و افتتاح نمودن سفر
خود را بتصدق و احادیث معتبره در ترغیب آن شده در حدیث صحیح است که تصدق کن و هر روز
که خواسته باشی سفر کن و مقصود است که تصدق دفع نحوست ایامیکه سفر در آن مذموم است بکند
و فرق نیست در میان آنکه پیش از دو رکعت نماز باشد یا بعد از آن و در حین بیرون آمدن از خانه
باشد یا بعد از آن پیش از سوار شدن باشد یا بعد از آن هر چند احسن و اولی جمع است بنا بر آن
تمام و سنت است بر کسیکه اراده سفر حج کرده است غسل کردن و خواندن این دعا را در نزد غسل کردن
بسم الله و بالله و لا حول و لا قوة الا بالله و علی ملة رسول الله و الصادقین
عن الله صلوات الله علیهم اجمعین اللهم طهر به قلبی و اشرح به صدری و نور به قلبی

اللهم

اللهم اجعله نورا و طهورا و حرزا و شفاء من کل داء و آفة و عاهة و سوء مما اخاف
و احذر و طهر قلبی و جوارحی و عظامی و دمی و شعری و بشری و مخی و عصبی
و ما اقلت الارض منی اللهم اجعل لی شاهدا یوم حاجتی و فقری و فاقتی الیک
یا رب العالمین انک علی کل شیء قدیر و هم چنین سنت است دو رکعت نماز بکند هرگاه
اراده بیرون رفتن کرد و در هر رکعت بعد از حمد هر سوره که خواهد بخواند و در قنوت دعا
در امور مهمه خود نماید آنچه خواهد بود و بعد از نماز یا در قنوت نماز بخواند این دعا را
اللهم انی استودعک نفسی و اهلی و مالی و ذریتی و امانتی و خاتمة عملی
و نیز سنت است در این وقت بگوید در حالتیکه جمع نماید عیال خود را در حجره اللهم انی
استودعک الغداة نفسی و مالی و اهلی و ولدی الشاهد منا و الغائب
اللهم احفظنا و احفظ علینا اللهم اجعلنا فی جوارک اللهم لا تسلبنا نعمتک
و لا تغیر ما بنا من عافیتک و فضلک و سنت است که هرگاه بیرون رود سفر چهار
رکعت نماز بکند در حجره خود به دو سلام و در هر رکعت حمد و توحید بخواند و بعد از آن بگوید
اللهم انی اتقرب بهن الیک فاجعلهن خلیفتی فی اهلی و مالی و سنت است
همراه داشتن در سفر عصا از چوب بادام تلخ و در وقت بیرون رفتن با عصا خواندن
و لما توجه تلقاء مدین قال عسی ربی ان یهدینی سواء السبیل و لما ورد
ماء مدین وجد علیه امة من الناس یسقون و وجد من دونهم امرأتین تذودان
قال ما خطبکما قالتا لا نسقی حتی یصدر الرعاء و ابونا شیخ کبیر فسقی لهما ثم تولی

الی الظل فقال رب انی لما انزلت الی من خیر فقیر فجاءته احدیهما تمشی علی
استحیاء قالت ان ابی یدعوک لیجزیک اجر ما سقیت لنا فلما جاءه وقص علیه
القصص قال لا تخف نجوت من القوم الظالمین قالت احدیهما یا ابت استاجره
ان خیر من استاجرت القوی الامین قال انی ارید ان انکحک احدی ابنتی
هاتین علی ان تاجرنی ثمانی حجج فان اتممت عشرا فمن عندک وما ارید ان
اشق علیک ستجدنی ان شاء الله من الصالحین قال ذلک بینی وبینک ایما
الاجلین قضیت فلا عدوان علی والله علی ما نقول وکیل دیگر آنکه
مصاحبت عصا در حضر و سنت است از برای کسی که بیرون برود بسفر دیگر آنکه بدارد
باینکه قدری از عمامه را بگرداند در زیر حنک و در حدیث است که کسی که بگذارد و بخواهد
او را در سفر دزد و نه سوختن و نه کرده و سنت است که کسی در هر گاه اراده سفر نماید بایستد
بر در خانه خود محاذی سمتی که متوجه آن سمت میباشد پس بخواند حمد را پیش روی خود و از
راست خود و از سمت چپ خود و آیة الکرسی را نیز بطریق مذکور پس بگوید اللهم احفظنی و
احفظ ما معی وسلمنی وسلم ما معی وبلغنی وبلغ ما معی ببلاغک الحسن
الجمیل هرگاه چنین کند خداوند عالم حفظ فرماید او را و آنچه را که با اوست و سالم دارد او را
و آنچه را که با اوست و برساند او را و آنچه را که با اوست مخفی نباشد اینها که مذکور شد در مطلق
سفر است و اما در خصوص سفر حج در حدیث صحیح وارد شده است از حضرت امام جعفر صادق علیه السلام
که فرمودند هرگاه بیرون رفتی از خانه خود اراده حج و عمره داشته باشی پس دعای فرج را که آن

وان

وان است لا اله الا الله الحلیم الکریم لا اله الا الله العلی العظیم سبحان
الله رب السموات السبع ورب العرش العظیم والحمد لله رب العالمین
بعد از آن بگوید بسم الله الرحمن الرحیم اللهم کن لی جارا من کل جبار عنید
ومن کل شیطان مرید بعد از آن بگوید بسم الله دخلت وبسم الله خرجت
وفی سبیل الله اللهم انی اقدم بین یدی نسیانی وعجلتی اللهم بسم الله وما شاء الله
فی سفری هذا ذکرته او نسیته اللهم انت المستعان علی الامور کلها و
انت الصاحب فی السفر والخلیفة فی الاهل اللهم هون علینا
سفرنا واطو لنا الارض وسیرنا فیها بطاعتک وطاعة رسولک اللهم
اصلح لنا ظهرنا وبارک فیما رزقتنا وقنا عذاب النار اللهم انی اعوذ بک
من وعثاء السفر وکآبة المنقلب وسوء المنظر فی
الاهل والمال والولد اللهم انت عضدی وناصری بک احل وبک
اسیر اللهم انی اسئلک فی سفری هذا السرور والعمل بما یرضیک منی اللهم
اقطع عنی بعده ومشقته واصحبنی فیه واخلفنی فی اهلی بخیر لا حول ولا
قوة الا بالله اللهم انی عبدک وهذا حملانک والوجه وجهک والسفر
الیک وقد اطلعت علی ما لم یطلع علیه احد فاجعل سفری هذا کفارة لما قبله
من ذنوبی وکن لی عونا علیه واکفنی وعثه ومشقته ولقنی من القول
والعمل برضاک فانما انا عبدک وبک ولک پس رو بگذارد پای خود را در رکاب

میگذارد و گوید بسم الله الرحمن الرحیم بسم الله والله اکبر پس روی بگه بر زمین
خود قرار گرفتی بگو الحمد لله الذی هدانا للاسلام ومن علینا بمحمد سبحان
الله سبحان الذی سخر لنا هذا وما کنا له مقرنین وانا الی ربنا لمنقلبون
والحمد لله رب العالمین اللهم انت الحامل علی الظهر والمستعان علی الامر
اللهم بلغنا بلاغا یبلغ الی خیر بلاغا یبلغ الی مغفرتک ورضوانک اللهم
لا طیر الا طیرک ولا خیر الا خیرک ولا حافظ غیرک و طیر یعنی شوم است یعنی
شومی نیست مگر آنچه را که تو شوم گردانیده باشی و سنت است که در سفر هرگاه بر بالا بر آید
تسبیح گوید و هرگاه سرازیر شود تکبیر گوید و هرگاه به بلندی جسری و پیاده رسد بسم الله
بگوید و هرگاه وارد منزل شود بگوید اللهم انزلنی منزلا مبارکا وانت خیر المنزلین
بلکه در حضر هرگاه وارد منزلی شود سنت است بخواند و سنت است دو رکعت نماز بکند بهر سوره
که خواهد از سورهای کوچک و بگوید اللهم ارزقنا خیر هذه واعذنا من شرها
اللهم اطعمنا من جناها واعذنا من وباها وحببنا الی اهلها وحبب صالحی
اهلها الینا و بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له وان
محمدا عبده ورسوله وان علیا امیر المؤمنین والائمة من ولده ائمة
اتولاهم وابرء من اعدائهم اللهم انی اسئلک خیر هذه البقعة واعوذ
بک من شرها اللهم اجعل اول دخولنا صلاحا واوسطه فلاحا واخره
نجاحا و سنت است که هرگاه وارد بلدی یا دهی شود بگوید دو شکر از این بلد اللهم انی

اسئلک

اسئلک خیرها واعوذ بک من شرها اللهم حببنا الی اهلها وحبب صالحی
اهلها الینا و سنت است که هرگاه اراده کوچ نمودن از منزل نماید دو رکعت نماز
بکند و از جناب اقدس الهی حفظ و حراست طلب نماید و بگوید السلام علی ملائکة
الحافظین السلام علینا وعلی عباد الله الصالحین ورحمة الله وبرکاته
و هرگاه بیرون رود از منزل بگوید بسم الله آمنت بالله وتوکلت علی الله ما شاء الله
لا حول ولا قوة الا بالله و سنت است در سفر کثرت مزاح و شوخی در غیر آنچه غضب باری
جناب احدیت را واجب نمودن برکسی که همراه بوده اند در سفر بعد از مفارقت ایشان از
ایشان بر او هرگاه نزدیک شد منزل پس پایین بیاید از حیوان و پیش بدارد علف دادن
حیوان از از خوردن خود و هرگاه اراده کند منزل کردن را اختیار کند مکانی را که خوش
رنگ باشد و خاک او نرم باشد و گیاه او بسیار باشد و هرگاه راه را گم کند بگوید یا صالح
و یا ابا صالح ارشدونا الی الطریق یرحمکم الله و سنت است که هرگاه منزل نماید در
جایی که خوف داشته باشد از درنده بگوید اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک
له له الملک وله الحمد بیده الخیر وهو علی کل شیء قدیر اللهم انی اعوذ بک من
شر کل سبع و مکروه است فرود آمدن در وسط راه و اطراف آن و در میان رودخانهها
بلکه مکروه است فرود آمدن در روی نهرها مطلقا چه در آخر شب چه در غیر آن مطلب
سیم بدانکه کسیکه اراده حج میکند باید منفعت و ثواب و اجر حج و تدبر بکند در آن چنانچه
در صحیح وارد شده است پس چون که حج عبارت از قصد بیت شود که نماید توجه کعبه حق را

وسیر و سلوک که می‌باید طی مسافت کرد این غایت را بدست آورد و بعد از آن باحرام محرم شود از
معاصی و خلع نماید از خود رذایل و بنا را در تلبیه اجابت حق نماید در آنچه خطاب یاد
حسنه است و سیر در درجات قرب نماید تا واصل شود بمرتبه در قرب که در خور استعداد
او است و بشوید بتوبه نفس شدیدی خود را تا آنکه چرک معاصی از او بالمره برود چنانچه
در ظاهر خود را میشوید یکدفعه از وقت احرام و دو دفعه دیگر از برای داخل شدن مسجد الحرام و دفعه
دیگر از برای داخل شدن بمکه معظمه تا آنکه خود را بطواف زاید برضای حق ببیند و سعی نماید در
تکمیل تحصیل مراتب قرب حق بسبب دویدن میان صفا و مروه تا مراتب معرفت و جمع جمیع آنچه باید
در این مرحله نماید بوقوف بعرفات و مشعر و از این ترقی نماید و بجائی رسد که مرتبه تشرف آن
کلام صاحب [illegible] وحی گردد و بهره فیض با آنچه تواند برسد از آنچه هست از اسرار [illegible] بوستان طریقت فروغ
غیبی چنانچه اشاره بجمیع آن فرموده اند حضرت صادق علیه السلام در حدیثی که مذکور است در مصباح
الشریعه **کتاب اول** در شرایط حج و عمره و اقسام هر یک و در آن چند مطلب است **مطلب اول**
بدانکه شرط است در وجوب و صحت حج اموری اما اول چند چیز است **اول** بلوغ پس بر
طفل وجوب ندارد حج هر چند مال داشته باشد **دوم** عقل پس مجنون که هیچ وقت بهوش
نیاید یا اگر بهوش آید وقت بسیاری او وفا بافعال حج کند بر او حج وجوب ندارد و
سیم حریت پس بر مملوک حج وجوب ندارد هر چند بعد از آزاد شود و اگر باذن(?) حضرت
مولی حج کند ثواب دارد اما این حج از حجة الاسلام مجزی نیست و هرگاه بعد از آزاد
شدن مستطیع شود واجب است که دو حج نماید مگر آنکه قبل از وقوف بعرفات یا مشعر آزاد شود

در این

در این صورت مجزی است از حجة الاسلام اگر قادر باشد بر اتمام آن بلکه مثل این است حکم طفل و مجنون
هرگاه بالغ شود طفل و عاقل شود مجنون پیش از وقوف بعرفات یا مشعر الحرام بنابر مشهور و اشهر
هر چند احوط اعاده حج است بعد از استطاعت بر ایشان **چهارم** صحت بدن بحیثیتی که از رفتن
بحج مشقت شدید لازم نیاید و اگر نتواند چاره نمود مثل آنکه در تخت روان و کجاوه برود
واجب است **پنجم** امنیت راه پس باید که راه امن باشد هر چند مظنه باشد واجب است
رفتن بخلاف آنکه علم داشته باشد یا مظنه هر چند مظنه باشد واجب رفتن بخلاف آنکه
علم داشته باشد یا مظنه بر عدم امن بودن راه حج بر آن واجب نیست بلکه هم چنین است
هرگاه شک داشته باشد مگر آنکه بجهت توان رفت یا زیاد دادن وجه ممکن باشد از
برای آن بنحوی که متضرر نشود واجب است بر آن در این صورت رفتن بحج **ششم** تمکن از رفتن
بقدری که خود را بمکه معظمه برساند و افعال حج را بجای بیاورد بدون مشقت شدیدی پس
اگر چنین نباشد حج در آن سال از آن ساقط است **هفتم** استطاعت از برای کسیکه از اهل
مکه نیست و اقامه در آن نکرده باشد دو سال و مراد از استطاعت این است که قدرت داشته باشد
بر خرج راه در رفتن و برگشتن از کرایه حیوان و وجه خرجی که بود با ضروریات سفر از ماکول
و مشروب و ملبوس و الات و ادوات و غیر اینها از آنچه محتاج سفر است و همچنین بر نفقه عیال و بار
ما نیکه نان او که واجب است نفقه بر آن بر او از وقت رفتن تا رسیدن بمکان خود
در صورتیکه برگشتن آن لازم باشد یا آنکه عیال داشته باشد در ولایت خود یا آنکه خانه داشته
باشد بر او رجوع کردن در ولایت خود و اما هرگاه اراده رجوع نداشته باشد و بخواهد

در مکه یا مثل ان باید ضرورت داشتن خرجات سفر واجب بلکه کفایت میکند در رفتن
داشتن خراجات رفتن و در اشتراط بودن صنعت یا مالی از برای او که بعد از مراجعت
از مکه سفطه نکند که مشهور نزد بزرگان ان خلاف است و اقوی اشتراط است و هم چنین شرط است
داشتن محرم از برای زن اگر مظنه سلامت بر او نباشد مگر همراه بودن محرم پس هرگاه
در این صورت محرم نباشد اقربیت براجرت نمی تواند حج بر او واجب نیست بخلاف
انکه هرگاه مظنه سلامت داشته باشد بدون وجود محرم داشتن ان از انجمله نیست شرط
و شرط نیست در استطاعت داشتن اخراجات بالفعل پس هرگاه شخص نفقه عیال خود را
داشته باشد بقدر رفتن و برگشتن کسبی داشته باشد که در راه بان کسب بتواند اخراجات
خود را بکند حج بران واجب نیست و هرگاه شخص دینی داشته باشد مثل مهر زن و غیر ان و قدرت
بر دادن ان نباشد واجب نیست بران حج و واجب نیست فروختن خانه نگه داشتن خانه
مسکن و نه رخوت که لایق بحال است و نه حیوان سواری و کتب علمیه و امثال اینها از اجناس حج
باینها بلکه هرگاه خانه نداشته باشد و بر ترک خریدن ان متضرر شود و مشقت بکشد باید قیمت خانه
باید وضع شود و بعد از ان ملاحظه استطاعت شود و هم چنین اخراجات نکاح هرگاه ضرور در
داشته باشد بنحوی که بر ترک ان متضرر شود و مشقت و معصیت بیفتد وضع شود بخلاف انکه هرگاه
ضرور نداشته باشد و هرگاه شخص بگوید که اخراجات سفر بکه تو تمام ان از زاد و راحله و نفقه خود
و عیال تو در رفتن و برگشتن تمام با من شخص مستطیع میشود هرگاه وثوق باو و اعتماد بقول
ان باشد و واجب است بلکه تملیک نماید اخراجات را بان یا واجب بکند بر خود بنذر دادن اخراجات را

دبشه

دبشه ان نباشد و اما هرگاه هبه نماید شخصی مالی را که بان مستطیع شود هرگاه قبول کند واجب
نیست قبول نمودن ان مطلقا چه انکه هبه ان مطلق باشد یا مشروط باشد بصرف نمودن ان
در حج و اما دوم که شرط صحت باشد بدانکه ان بر امور چند است **اول** انکه شرط است در وجوب
مگر بلوغ که شرط در صحت حج نمیباشد بنابر اصح چونکه حق است که از طفل ممیز حج صحیح است و ا
ثبت بلکه ان **دوم** **دوم** اسلام و ایمان و مراد بهر یک در طهارت گذشت پس هرگاه فرد غیر
اثنی عشری لکن هرگاه کافر اسلام بیاورد و پیش از اسلام استطاعت ان برطرف شده باشد
باز پس از وقت حج بر او حج واجب نیست بخلاف انکه هرگاه استطاعت باقی باشد
و اما حج بکند اما مخالف پس هرگاه حج کرده باشد اعاده ان بر ان واجب نیست مگر انکه
رکنی از ارکان حج را ترک کرده باشد **چهارم** انکه کسی که میخواهد حج نیت بکند باید برذمه
ان حجة الاسلام نباشد **پنجم** اذن از برای غلام بلکه مطلق مملوک هرچند مشرف بحریت
شده باشد مثل مدبر و مبعض و زن در حج مستحب و اما در واجب پس اذن زوج اعتبار ندارد
بلکه مخالفت ضرر ندارد **ششم** اجتهاد یا تقلید در مسائل واجبات حج هرگاه ضروری نباشد
مثل وجوب اصل حج بلکه هرگاه عملی باشد ضروری نیست در ان تقلید پس هرگاه بی علم
کند و مسائل حج را نفهمیده بتقلید مجتهد حی اعلم و حج کند حج ان باطل است **هفتم** بلکه
در مبحث نماز گذشت پس بدون شروط مذکوره حج صحت ندارد **مطلب دوم** در بیان اقسام
حج و عمره بدانکه عمره بر دو قسم است عمره تمتع و عمره مفرده چنانکه حج بر سه قسم است حج تمتع
و حج قران و حج افراد و حج تمتع افضل اقسام است و ان واجب بر کسیکه دور باشد منزل او

از مکه شانزده فرسخ که عبارتست از چهل و هشت میل باشد و حج قران و افراد واجبست بر کسی که از
اهل مکه معظمه باشد یا دوری منزل او از مکه کمتر از شانزده فرسخ باشد و جایز نیست از برای
کسی که تکلیفش حج تمتع است اینکه عدول نماید از حج تمتع بحج قران یا افراد چنانچه جایز نیست
از برای کسی که تکلیفش حج قرانست یا افراد عدول بسوی حج تمتع مگر در صورت اضطرار
و کیفیت اینها در حج واجبست و اما در حج سنت پس مخیر است مستحق میان هر یک از این اقسام هر چند
افضل نیز تمتع است **مطلب سیم** در بیان کیفیت حج تمتع است و آن اینست که احرام
ببندد شخص بعمره تمتع در اشهر حج که شوال و ذی القعده و ذی الحجه است یا از مواقیتی که ذکر آنها
که بیان خواهد شد بعد از ان وارد مکه معظمه شود و طواف بکند بهفت شوط از برای
عمره و بعد از ان دو رکعت نماز طواف بکند بعد از ان سعی کند میان صفا و مروه بهفت شوط
بقصد انکه از برای عمره میکند بعد از ان تقصیر کند بعد از ان محل میشود از هر چیزی که بر ان حرام
شده بود باحرام عمره مگر تراشیدن سر بعد از ان باقیست مربوط بحج و نمیتواند از مکه
بیرون رود تا انکه ابتدا بحج بکند بتفصیلی که خواهد آمد و ان اینست که روز هشتم یا روز
ترویه ببندد احرام بحج باید ببندد و از مکه معظمه باید بیرون برود بعرفات لیکن روز
انجا را بجای بیاورد با حیله بماند در انجا از بعد از زوال افتاب تا بغروب افتاب بعد از ان
برود بمشعر الحرام پس در شب عید بماند در انجا تا طلوع صبح روز عید بعد از ان برود بمنی
دری جمره عقبه را بکند بعد از ان ذبح هدی بکند بعد از ان حلق راس بکند یا تقصیر بعد از ان
همان روز یا فردای ان بیاید بمکه معظمه پس طواف خانه مکه معظمه را بکند بهفت شوط بقصد

طواف

۲۳

طواف حج و بعد از ان دو رکعت نماز بکند و بعد از ان سعی کند میان صفا و مروه بهفت شوط
بعد از ان طواف نسا بکند بعد از ان دو رکعت نماز طواف بکند بعد از ان مراجعت کند بمنی
و بیتوته بکند در ان لیالی تشریق را و رمی جمرات ثلث را بکند در روزهای تشریق پس ظاهر
این معلوم شد که واجبات عمره تمتع پنج است **اول** نیت **دوم** احرام **سیم** طواف
چهارم دو رکعت نماز طواف **پنجم** سعی میان صفا و مروه **ششم** تقصیر و اما واجبات
حج تمتع پس ان سیزده است **اول** نیت **دوم** احرام **سیم** وقوف بعرفات **چهارم**
وقوف در مشعر **پنجم** رمی جمره عقبه در منی **ششم** ذبح یا نحر **هفتم** حلق یا تقصیر **هشتم**
طواف حج **نهم** دو رکعت نماز طواف **دهم** سعی ما بین الصفا و المروه **یازدهم**
طواف نسا **دوازدهم** دو رکعت نماز طواف نسا **سیزدهم** شب ماندن در منی بعد از عود
که بیتوته در منی بوده باشد در لیالی تشریق و رمی جمرات ثلث در هر روز از ایام تشریق
این اجمال افعال حج است از عمره تمتع و حج تمتع **بحث دوم** در بیان واجبات
عمره تمتع است و در ان چند فصل است **فصل اول** در مواقیت بدانکه واجبست احرام
در عمره تمتع در یکی از مواضع چند **اول** مسجد شجره است و ان میقات اهل مدینه است
و مسمی بذو الحلیفه است و ان یک منزلی مدینه است تقریبا در طرف چپ راه در جانبی که
بمکه میروند و نزدیک است بکوه ال و مسجد در عقیق است و از اینجا بنا بنده و احوط انکه
اظهر عدم جواز احرام است در غیر ان مسجد و هر گاه کسی که اراده احرام دارد جنب باشد
یا حایض یا نفسا احرام ببندد در مسجد در حالت عبور و جایز نیست توقف نماید در ان

واگر محاذی نمودند از مسجد شجره پس میقات ایشان جحفه است و آن در نزدیکی مسجد [illegible] مخصوص
بکمال ضرورت [illegible] و آن احوط است [illegible] ظاهر است **دوم** جحفه است و آن میقات
اهل شام است **سیم** قرن المنازل است و آن میقات اهل طائف است **چهارم**
یلملم است و آن میقات اهل یمن است **پنجم** وادی عقیق است و آن میقات اهل
عراق است و افضل آن اول آنست که مسلخ است و اقرب بسمت عراق است
و پستر از آن غمره است که وسط وادی است و پستر از آن ذات عرق است لیکن احوط
عدم تاخیر تا بذات عرق است و احوط عدم تاخیر از مسلخ است پس هر کس عبور
کند بیکی از آن مواقیت لازم است محرم شود هر چند از اهل [illegible] نباشد و هر گاه
مرور بیکی از این مواقیت نکند لازم است که محرم شود بموضعی که محاذی یکی از این مواقیت
هر چند ظن محاذات داشته باشد و هر گاه منزل او نزدیکتر باشد بمکه از این مواقیت
پس میقات او منزل او است پس بنا بر این مواقیت احرام شش میقات شد

فصل دوم در بیان احرام است و در آن [illegible] مطلب است **مطلب اول** در واجبات آن
بدانکه واجبات احرام سه چیز است **اول** نیت باید که قصد کند که اجتناب کنم و کف نفس
خود کنم از امور که خداوند عالم نهی از آنها فرموده است در حق محرم قربة الی الله و لازم است
که تعیین کند و حج را تمتع یا افراد یا قران بکند و احوط آنست که ادا بودن یا قضا بودن و
اصالت یا نذر [illegible] را نیز تعیین کند و هر گاه فراموش نماید نیت را احرام باطل است
و هم چنین هر گاه عمدا ترک نماید **دوم** تلبیات چهارگانه که منعقد نمیشود احرام عمره و

حج

حج تمتع و افراد بدون آن و احوط مقارن نیت است [illegible] نیت احرام و صورت تلبیات این است
لبیک اللهم لبیک لبیک لا شریک لک لبیک و احوط ضمیمه نمودن ان
الحمد و النعمة لک و الملک لا شریک لک و اگر این قول را با این تلبیه ضمیمه نماید
گوید بهتر خواهد بود و این نحو لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد و النعمة لک و
الملک لا شریک لک لبیک و فتح همزه ان و کسر ان هر دو جایز است لیکن کسر همزه ان
و افضل از همه است که اتیان بجمیع اینها نماید با قصد قربت و اگر بعد از این [illegible] تلبیات
که مذکور شد لفظ لک بعد از و الملک اتیان نماید و اعاده تلبیات را بر این نحو نماید احوط
و احسن خواهد بود این نحو که بگوید لبیک اللهم لبیک لبیک ان الحمد و النعمة لک
و الملک لک لا شریک لک لبیک پس هر گاه اتیان به تلبیه نمود احرام منعقد میشود و
لازم است اجتناب نماید از امور که خواهد آمد و ظاهر است که کفایت میکند گفتن تلبیات
اربع را [illegible] نمود لیکن مستحب است تکرار آن در هر شب و هر کس در حال احرام هفتاد
مرتبه تلبیه بگوید قربة الی الله [illegible] به تکبیر و خداوند عالم هزار هزار ملائکه را بر بری
بودن آن شخص از آتش جهنم و سنت است تلبیه گفتن در حال صعود و هبوط و در عقب صلوات
چه واجب بوده باشد چه مستحب و در سحرها و در وقت بیدار شدن از خواب و در
وقت ملاقات نمودن سواره و سنت است که در حق مردان جهر نمودن در تلبیه و در
حق زنان اخفات نمودن سنت است که بسیار بگوید لبیک ذا المعارج لبیک
و تلبیه گنگ [illegible] حرکت دادن زبان و اشاره نمودن بدست با عقد دل

واگر بعد احرام نماید دو ثوب احرام بپوشد و تلبیه گوید لازم نمیشود بر ان کفاره
بسبب انچه کفاره در ان لازم است هرگاه در حال احرام جاهل شود لیکن ابتعاد در عمره
تمتع و حج تمتع و افراد است و اما در حج قران پس مخیر است در میان تلبیه و اشعار
و تقلید لیکن بهر کدام که شروع نمود سنت است ان روی دیگر **سیم** پوشیدن دو
جامه احرام از برای مردان لیکن شرط نیست صحت احرام بان و مخیر است در دو
احرام بنا بر مشهور و احوط انکه در دو جامه ای که از جنسی باشد که نماز در ان صحیح باشد
پس جایز نیست در جامه مغصوب و حریر و پشم حلال گوشت و کیفیت پوشیدن انست که ازار را
لنگ کنند یا بسته که ستر عورت و ما بین زانو و ناف نماید لا اقل و دیگری را بر دوش اندازند
چه بطریق ردا باشد که بر دو شانه اندازند یا انکه داخل نمایند انرا در زیر دست راست
و بر او اندازند و در ابرش نه چپ و لیکن احوط اول است و واجب نیست استمرار بر پوشیدن
دو جامه وقتی است که اراده احرام می نماید پیش از عقد احرام و شرط است
در دو جامه که دوخته یا شبیه بدوخته نباشد مثل لنگ و زره و مثل انها در مارا
جایز است در حال احرام پوشیدن زیاده از دو ثوب هرگاه بخواهد چنانچه جایز است
تبدیل ان دو ثوب که پوشیده است **مطلب دوم** در مستحبات احرام علاوه بر انچه گذشت ۲۲
بدانکه سنت است از برای کسیکه اراده حج دارد چه تمتع چه غیر تمتع از اول ماه ذی القعده
بگذارد موی سر و موی ریش خود را نه سر بتراشد نه اصلاح کند و پاک نماید بدن خود را
از چرک و سنت مؤکد است که ازاله نماید بنوره موی زهار و موی زیر بغل را بلکه

تنور

تنور بر هر چند پانزده روز گذشته باشد و سنت است که شارب را بگیرد و ناخن را بچیند
و مسواک نماید و غسل احرام بکند بلکه بعضی واجب دانسته اند از اوان ضعیف است و اگر
بعد از غسل خواب رود یا محدث شود یا چیزی بخورد و یا بپوشد یا ببوید چیزی را که بر محرم
خوردن و پوشیدن و بو کردن ان حرام است سنت است اعاده غسل کند و همچنین
اگر غسل در روز نمود و تاخیر نمود احرام را تا شب و بالعکس و حایض و نفسا غسل بکند
و اینکه تلبیه بکند و استغفار نیز بکند و کمر خود را می بندد و احرام می بندد بعد از نماز و سنت است
احرام بستن بحج تمتع در روز ترویه بنا بر مشهور و اصح و سنت است بودن احرام
در عقب نماز بنا بر اقوی و احوط عدم ترک و افضل انست که در عقب فریضه باشد و
افضل انست که فریضه ظهر باشد و سنت است تلفظ نمودن بانچه اراده دارد از حج
و عمره و شرط نمودن با جناب احدیت با انکه محل شود هرگاه مانعی روی دهد از برای او
و اگر حج نباشد پس بعمره و بهر زبانه که باشد کفایت میکند هر چند تابعیت انچه
وارد شده است بهتر است و ان انست که بگوید اَللّٰهُمَّ اِنِّی اُرِیدُ التَّمَتُّعَ بِالْعُمْرَةِ
اِلَی الْحَجِّ عَلٰی کِتَابِکَ وَسُنَّةِ نَبِیِّکَ فَاِنْ عَرَضَ لِی شَیْءٌ یَحْبِسُنِی فَحُلَّنِی حَیْثُ
حَبَسْتَنِی لِقَدَرِکَ الَّذِی قَدَّرْتَ عَلَیَّ اَللّٰهُمَّ اِنْ لَمْ یَکُنْ حَجَّةٌ فَعُمْرَةٌ اَحْرَمَ لَکَ
شَعْرِی وَبَشَرِی وَلَحْمِی وَدَمِی وَعِظَامِی وَمُخِّی وَعَصَبِی مِنَ النِّسَاءِ وَالثِّیَابِ
وَالطِّیبِ اَبْتَغِی بِذٰلِکَ وَجْهَکَ وَالدَّارَ الْآخِرَةَ و اگر قصد نماید اشتراط را
تلفظ بان نکند در نظر کردن بان و اعتدال ان اشکالست علامه مرحوم اختیار فرموده است

نموده پس از زوال ارجح است و احوط سنت است تاخیر نمودن هر دو تلبیات را تا انکه
برسد ببیداء و اگر از راه مدینه میرود بحج و اگر از راه غیر مدینه میرود تا انکه
راه میرود و اگر احرام از مکه بسته باشد سنت است تاخیر نماید تلبیه را بر قطع ان
و محل قطع تلبیه زوال روز عرفه است از برای حاج و از برای حاجی عمره تمتع
وقتی است که ببیند خانهای مکه را و در حاجی عمره تمتع وقتی است که ببیند خانهای
مکه را و در حاجی عمره مفرده خلاف است در میان اصحاب و اخبار در ان مختلف است
و احتیاط در محل قطع دخول حرم است اگر احرام از انجا از مواقیت بسته باشد و دیدن
کعبه است اگر از حرم احرام بسته باشد و سنت است احرام بستن در ثوبی که از پنبه
باشد و سفید باشد مطلب سیم در مکروهات احرام است بدانکه مکروه است محرم شدن
در جامه سیاه بلکه مشهور کراهت احرام است در غیر سفید و مکروه است محرم شدن در
جامه چرک و علم دار و هم چنین تلبیه گفتن در جواب کسی که او را اخواند بلکه بگوید در جواب
یا سعد و هم چنین داخل شدن در حمام و کیسه کشیدن بلکه ترک کیسه کشیدن مطلق
خوبست هر چند در غیر سر باشد و مکروه است خارانیدن بدن مادامی که خون بیندازد
و موی کند و همچنین مسواک نمودن هرگاه خون بیندازد مطلب چهارم در محرمات
احرام است و ان بیست و پنج است اول شکار کردن یا امر نمودن غیر را بان یا در برد
حیوان شکاری بستن تا بمیرد یا کشتن شکار یا خوردن ان هر چند شکار نموده باشد او را
بدون امر کردن یا راه نما نمودن محرم را بان یا اعانت نمودن بان یا اشاره نمودن

دراه

دراه نما کردن از برای شکار کننده چه ملتفت باشد چه نباشد چه بغیران از طرف راه
نمائی که تمام حرام است لیکن بدو شرط اول انکه شکار حیوان بری باشد چون که شکار
کردن حیوان ابی در حال احرام حرام نیست و مراد بان حیوانیست که در اب تخم کند
پس شکار فار دارد و باقی حیوانات که در خشکی تخم کند حرام است صیدان دوم
انکه از حیوان وحشی باشد در اصل نه انکه اهلی باشد و در اصل وحشی شده باشد بعد پس اگر
حیوان اهلی باشد و وحشی شود حرام نیست صیدان چنانچه اگر وحشی باشد و اهلی شود حرام است
ازان انچه گذشت از خوردن و کشتن و نحو ان و هم چنین مکروه است تخم و جوجه انچه حرام است
صیدان و هم چنین حرام است کشتن ملخ و خوردن ان و بعضی شرط نموده اند که ان صید
حلال گوشت باشد مثل اهو و کلنگ و غیر ان پس شکار کردن چیزی که گوشت ان
حرام است مثل خوک و پلنگ و باز در حال احرام حلال است و ان ضعیف است بلکه قوی
واحوط حرمت است و هرگاه شخصی در حال احرام شکار کند ملک او نمیشود و واجبست که
ان را رها کند و خوردن گوشت شکار حرام است اگر چه دیگری ان شکار کرده باشد و هر شکاری را
که محرم کشته باشد میته است و خوردن گوشت ان بر محرم و غیر محرم حرام است سیم جماع
نمودن با زنانست و تقبیل نمودن ایشان از روی شهوت و لمس نمودن ایشان از روی شهوت بلکه
نظر نمودن بایشان از روی شهوت بنابر احوط و هم چنین حرام است عقد نمودن ایشان مطلقا
چه از برای خود محرم و چه از برای غیران و از برای خود چه خود عقد کند چه دیگری از برای او
و باید شاهد گرفتن محرم را بر عقد از برای ان، چه عقد از برای ان چه عقد از

محرم باشد چه محل پس اگر عقد کند ان عقد باطل است و اما انکه مشهور بر وقوع عقد
پس در حرمت ان اشکالست و احتیاط احسن است هر چند جواز ان اقوی است
و هرگاه عالم بحرمت عقد باشد ان زن حرام مؤبد میشود و اگر جاهل باشد حرام مؤبد
نمیشود و جایز است مفارقت زنان بطلاق و غیر ان و رجوع در طلاق چه طلاق
در حال احرام شده باشد یا در غیر احرام و جایز است از برای محرم کنیز خریدن هر چند
قصد ان مباشرت بان باشد بعد از احرام چهارم طلب منی کردن است بهر نحو که
باشد چه بدست و چه بملاعبه و چه بخیال نمودن و چه بغیر ان پنجم استعمال نمودن بوی
خوش است چه بخوردن و چه بوئیدن و چه بمالیدن بدن یا رخت باشد و غیر ان مثل
بوی مشک و عنبر و صندل و زعفران و ورس بلکه کافور و عود و لیکن موکد است
تحریم در این شش و در چهار اول اکد است و جایز است پوشیدن توجیبه عطرهایی ان
ماند باشد و نشسته نشده باشد عطر ان کهنه شده بوی بر طرف شده باشد و مثل است
که هرگاه بر طرف شود بوی ان بطول مدت یا بسبب دیگر او جایز است خریدن انواع
عطر و نظر کردن بسوی انها و بو کردن خطا و اگر مضطر شود بخوردن چیزی که بوی خوش
داشته باشد بینی خود را بگیرد که او را استشمام نکند و از این باب است بوی مشک و عنبر
و مانند ان که بر خانه کعبه میمالند بخلاف خلوق کعبه که ان عطری مرکب است از
زعفران و غیر ان که کعبه را بان معطر مینموده اند که جایز است بوی نمودن ان تا اینکه
ان بیرون احرام بلکه اقوی الحاق نمودن زعفران کعبه است بخلوق و جایز است بو نمودن

خوش

خوش که در بازار صفا و مروه است ششم دماغ خود را گرفتن از بوی بد هفتم استعمال
نمودن روغنی که بوی خوش داشته باشد یا نداشته باشد در حال احرام بلکه استعمال نمودن ان از
پیش از احرام هرگاه بوی ان بماند تا وقت احرام بنابر مشهور و احوط جایز است خوردن روغنی که
بوی خوش نداشته باشد هشتم ازاله نمودن موی است در حال اختیار چه کم باشد چه بسیار
خواه بتراشیدن باشد یا کندن یا نوره کشیدن یا غیر ان چه از سر باشد چه از ریش
چه از غیر انها و جایز است ازاله نمودن موی در حال ضرورت مثل انکه رفع اذیت
شپش موقوف باشد بان یا حجامت موقوف باشد یا حاجت بحجامت یا انکه موی
ابرو بیفتد در چشم و غیر انها و جایز نیست بر محرم ازاله نمودن موی محرم را و محل را
نهم نگاه نمودن بایینه است چه از برای مرد و چه از برای زن چه قصد او زینت
چه نباشد دهم بیرون اوردن خون است از بدن چه بفصد باشد یا بحجامت یا ب
خارانیدن بدن یا مسواک نمودن بنحوی که از دهان خون بیاید مگر در حال ضرورت
ضرر ندارد یازدهم قطع کردن ناخن چه بعض ان چه کل ان اگر چه انگشت زیاده باشد
در حال اختیار و اگر خود شکسته شده باشد و اذیت نماید بودن ان جایز است ازاله
نمودن ان بلکه جایز است ازاله نمودن در حال ضرورت مطلق دوازدهم سرمه نمودن کحل
است سیاه چه از برای زینت باشد چه نباشد و هم چنین است حکم در سرمه نمودن و دارو
کشیدن بر چشم بچیزی که خوش بوی باشد در حال اختیار هر چند احوط اجتناب است و هر چند
خوش بوی یا سیاه نباشد و جایز است سرمه نمودن با انچه در ان چیز بوی خوش باشد

بوی آن بر طرف شده باشد سیزدهم پوشیدن رخت دوخته است از برای مرد هرچند
خیاط آن کافر باشد بنابر احوط مگر در حال ضرورت و هم چنین است هرچه پوشیده بدوخته
باشد مثل لنگ و زره و جایز است پوشیدن پاچه هرگاه بند و تکمه بآن نبود و خته
باشند بلکه جایز است مطلقا هرچند بند و تکمه داشته باشد و مراعات اول احوط است و
اما زنان پس جایز است از برای ایشان پوشیدن رخت دوخته مگر نقازین که آن
دستکش است و چیزیست که در پا میکرده اند زنان و میپوشیده اند و احوط اجتناب است
نیز از رخت دوخته مطلق ولیکن جایز است از برای ایشان پوشیدن غلاله که جامه ایست
که در زیر لباس میپوشند بجهه محافظت از خون حیض بلکه زیرجامه نیز مثل آنست از
عدم ضرر چهاردهم پوشیدن چیزیکه ستر تمام پشت پا باشد مثل چکمه و جوراب از برای مردان
پانزدهم انگشتر در دست نمودن است بقصد زینت و اما بقصد استحباب پس جایز است
شانزدهم پوشیدن سر است از برای مردان بهرچه باشد مثل ثوب یا گل یا حنا
یا رو (?) یا چیزیکه بردارد بسر و فرق نیست میان بعض کردن یا تمام سر و در حکم سر پوشیدن است فرو
بردن سر در زیر آب و جایز است شستن سر و آب بسر ریختن و اما زنان پس جایز است
سر خود را بپوشند و جایز نیست بپوشند روی خود را هرچند با دزن (?) باشد هفدهم
در زیر سایه چیزی بودن در حال سواره راه رفتن از برای مردان بنحویکه آن چیز در بالای
سر ایشان باشد نه در پهلوی ایشان مثل دیوار در حال اختیار پس جایز نیست نشستن در تخت
روان یا کجاوه یا محمل که بالای آن پوشیده باشد در حال اضطرار و نزد پیاده رفتن

جایز است

جایز است چنانچه از برای زنان و اطفال جایز است مطلقا و در حال نزول جایز است سایه
بر خود انداختن بچیزیکه آن چیز بر سر شخص نباشد مثل آنکه رخت خود را محاذی آفتاب
نگاه دارد که آفتاب با و نتابد و هم چنین جایز است سر پوشیدن شخص از آفتاب بعضی اعضاء
و اگر دو نفر هم کجاوه شوند یکی مضطر و دیگری غیر مضطر و یا مرد و دیگری زن اول که تابع
خود میباشند هیجدهم سلاح و آلات حرب پوشیده است بی ضرورت نوزدهم کشیدن حجامت است
بدنست از پیش دیگری و غیر آن چه از بدن و چه از جامه و هم چنین است انداختن آنها را
از بدن یا از جامه و هم چنین است کشتن مطلق حیوانات مگر اذیت کنندگان از آنها را
و جایز است نقل نمودن آنها را از جایی بجای مگر آنکه در جای ثانی که بیفکند از دو که در معرض افتادن باشد
قطعا یا غالبا و جایز است انداختن حیوانات غیر بدن مثل کنه و ملخ و عبارت از کیکهائی
شتری باشد و جایز نیست انداختن آنها را از شتر بخلاف کنه که جایز است انداختن آنها را
از شتر انداختن بیستم فسوق است که عبارت از دروغ گفتن باشد و بعضی علماء
نموده اند دشنام دادن را و بعضی تفاخر نمودن را و ترک جمیع بلکه هر قبیح احوط است
بیست و یکم جدال است و آن گفتن لا والله و بلی والله است بلکه احوط و اقوی اجتناب است
از هر قسمی از آن لکن در صورتیکه بقصد خصومت باشد بلکه از اطاعت الهی باشد بیست و دوم خضاب
است بقصد زینت چه از برای مرد و چه از برای زن بیست و سیم دندان کندن است
بیست و چهارم پوشیدن زینت طلا آلات و نقره آلات و مانند آنها را که عادت ایشان است
بقصد زینت و اگر عادت او باشد ضرر ندارد بیست و پنجم اظهار نمودن زن است زیور

خود را بر شوهر یا بر جمعی که محرم او باشند بلکه مطلقا بیست و سیم غسل دادن محرم که مرده باشد بکافور
و حنوط کردن آن بکافور بیست و چهارم حرام است قطع نمودن درخت و گیاه حرم هر چند
خشک باشد و فرقی نیست در این میان محرم و غیر محرم لیکن مستثنی است از آن اذخر
و درخت میوه و خرما چه آدمی از کشته باشد یا خود روئیده باشد و علفی را که آدمی
کشته باشد مطلب پنجم در لواحق است بدانکه جایز نیست از برای احدی آنکه داخل شود
بمکه معظمه مگر با احرام بستن حج یا عمره مگر آنکه شخص مریض باشد یا مانع بطن داشته باشد
یا آنکه مکرر داخل شود در مکه در هر ماه مثل هیمه کشی یا مثل آن و احرام زن مثل احرام مردان
در جمیع احکام مگر در پوشیدن سر و پوشیدن دوخته و سایه انداختن بر سر و مستحب بودن
رفع صوت از برای زن چنانچه گذشت و در احرام طهارت و محرم شرط نیست پس زن
در حال حیض محرم میتواند شد و غسل احرام و سایر آداب مذکوره را بعمل می آورد مگر
نماز احرام را بعد از آن محرم شود بلکه ظاهر است که تمام عمره و حج را در حال حیض و نفاس
میتوان بجا آورد مگر طواف و دو رکعت نماز طواف را مقصد سیم در طواف است و در آن
چند مطلب است مطلب اول در آداب دخول در حرم است و آن چند چیز است اول
غسل نمودن بجهة دخول در حرم دوم دخول در حرم با پای برهنه و در حالتیکه کفشهای
خود را بدست خود گرفته باشد سیم آنکه در حین دخول در حرم این دعا را بخواند بسم الله
الرَّحمنِ الرَّحیمِ اللّهُمَّ اِنَّکَ قُلْتَ فی کِتابِکَ المُنْزَلِ وَ قَوْلُکَ الحَقُّ وَ اَذِّنْ فِی
النّاسِ بِالحَجِّ یَأتُوکَ رِجالاً وَ عَلی کُلِّ ضامِرٍ یَأتینَ مِنْ کُلِّ فَجٍّ عَمیقٍ اللّهُمَّ وَ اِنّی اَرجُو

ان

اَنْ اَکُونَ مِمَّنْ اَجابَ دَعْوَتَکَ وَ قَدْ جِئْتُ مِنْ شُقَّةٍ بَعیدَةٍ وَ مِنْ فَجٍّ عَمیقٍ
سامِعاً لِنِدائِکَ وَ مُسْتَجیباً لَکَ مُطیعاً لِاَمْرِکَ وَ کُلُّ ذلِکَ بِفَضْلِکَ عَلَیَّ
وَ اِحْسانِکَ اِلَیَّ فَلَکَ الحَمْدُ عَلی ما وَفَّقْتَنی لَهُ اَبْتَغی بِذلِکَ الزُّلْفَةَ عِنْدَکَ
وَ القُرْبَةَ اِلَیْکَ وَ المَنْزِلَةَ لَدَیْکَ وَ المَغْفِرَةَ لِذُنُوبی وَ التَّوْبَةَ عَلَیَّ مِنْها
بِمَنِّکَ اللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ حَرِّمْ بَدَنی عَلَی النّارِ وَ آمِنّی مِنْ عَذابِکَ
وَ عِقابِکَ بِرَحْمَتِکَ یا اَرْحَمَ الرّاحِمینَ چهارم جاییدن اذخر است بعد از دخول در حرم و آن
گیاهی است عریض الاوراق مطلب دوم در آداب دخول در مکه است و آن
نیز چند امر است اول غسل کردن بجهة دخول در مکه دوم دخول در مکه در حال نظافت
ثوب و بدن از کثافات سیم داخل شدن مکه است با پای برهنه با آرام ظاهری و باطنی
مطلب سیم در آداب دخول در مسجد الحرام است و مستحبات آن و آن چند امر است
اول غسل است بجهة دخول در مسجد و اگر در غسل اول قصد همه نماید ظاهر اکتفا کند
دوم مستحب است وقتیکه بدر مسجد الحرام رسید توقف نماید و این دعا را بخواند
بِسْمِ اللهِ وَ مِنَ اللهِ وَ ما شاءَ اللهُ وَ عَلی مِلَّةِ رَسُولِ اللهِ وَ خَیْرُ الاَسْماءِ لِلّهِ وَ
الحَمْدُ لِلّهِ وَ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللهِ وَ السَّلامُ عَلی مُحَمَّدِ بْنِ عَبْدِ اللهِ اَلسَّلامُ
عَلَیْکَ اَیُّهَا النَّبِیُّ وَ رَحْمَةُ اللهِ وَ بَرَکاتُهُ اَلسَّلامُ عَلی اَنْبِیاءِ اللهِ وَ رُسُلِهِ اَلسَّلامُ
عَلی اِبْراهیمَ خَلیلِ اللهِ الرَّحْمنِ اَلسَّلامُ عَلَی المُرْسَلینَ وَ الحَمْدُ لِلّهِ رَبِّ العالَمینَ
اَلسَّلامُ عَلَیْنا وَ عَلی عِبادِ اللهِ الصّالِحینَ اَللّهُمَّ صَلِّ عَلی مُحَمَّدٍ وَ آلِ مُحَمَّدٍ وَ بارِکْ

علی محمد وآل محمد وارحم محمداً وآل محمد کما صلیت وبارکت وترحمت علی ابراهیم
وآل ابراهیم انک حمید مجید اللهم صل علی محمد وآل محمد عبدک ورسولک
وعلی ابراهیم خلیلک وعلی انبیائک ورسلک وسلم علیهم والسلام
علی المرسلین والحمد لله رب العالمین اللهم افتح لی ابواب رحمتک
واستعملنی فی طاعتک ومرضاتک واحفظنی بحفظ الایمان ابداً
ما ابقیتنی جل ثناء وجهک والحمد لله الذی جعلنی من وفده و
زواره واجعلنی ممن یناجیه اللهم انی عبدک وزائرک فی بیتک
علی کل ماتی حق لمن اتاه وزاره وانت خیر ماتی واکرم مزور فاسئلک
یا الله یا رحمن بانک انت الله الذی لا اله الا انت وحدک لا شریک
لک وبانک واحد احد صمد لم یلد ولم یولد ولم یکن له کفواً احد وان
محمداً عبدک ورسولک صلی الله علیه وعلی اهل بیته یا جواد یا کریم یا ماجد
یا جبار یا کریم اسئلک ان تجعل تحفتک ایای بزیارتی ایاک اول شیء
تعطینی فکاک رقبتی من النار بعد از ان سه مرتبه بگوید اللهم فک رقبتی من
النار واوسع علی من رزقک الحلال الطیب وادرأ عنی شیطان الانس
والجن وشر فسقة العرب والعجم واگر وقت وسعت نماید از این دعا که
مذکور شد این دعا را بخواند دعا کسیکه ایستاده باشد در مسجد الحرام بوسلام علیک
ایها النبی ورحمة الله وبرکاته بسم الله وبالله ومن الله وما شاء الله والسلام

رسول الله

رسول الله والسلام علی ابراهیم والحمد لله رب العالمین سم
دخول در مسجد پا برهنه با خضوع وخشوع چهارم بعد از آنکه داخل مسجد شده است
که بایستد روی بکعبه وهر دو دست را بلند نماید واین دعا بخواند اللهم انی اسئلک
فی مقامی هذا فی اول مناسکی ان تقبل توبتی وان تجاوز عن خطیئتی
وتضع عنی وزری الحمد لله الذی بلغنی بیته الحرام اللهم انی اشهد
ان هذا بیتک الحرام الذی جعلته مثابة للناس وامنا مبارکا وهدی
للعالمین اللهم انی عبدک والبلد بلدک والبیت بیتک جئت اطلب
رحمتک وأؤم طاعتک مطیعا لامرک راضیا بقدرک اسئلک مسئلة
المضطر الیک الخائف لعقوبتک اللهم افتح لی ابواب رحمتک و
استعملنی بطاعتک ومرضاتک حم نظر کردن بسوی کعبه است در حال
استقبال وتوجه بسوی آن بکعبه مطلق وچهار در فضیلت نظر کردن بکعبه معظمه بسیار است
ودر وقت نظر کردن بکعبه معظمه این دعا بخواند الحمد لله الذی عظمک وشرفک
وکرمک وجعلک مثابة للناس وامنا مبارکا وهدی للعالمین سم
آنکه بعد از دخول در مسجد الحرام در دسته محاذی حجر الاسود بایستد وابتدا این دعا را بخواند
اشهد ان لا اله الا الله وحده لا شریک له واشهد ان محمداً عبده
ورسوله آمنت بالله وکفرت بالجبت والطاغوت واللات والعزی
وبعبادة کل ند یدعی من دون الله هشتم آنکه در دسته نزدیک حجر الاسود در

مستحب است که بایستد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات بر محمد و آل اطهار بفرستد
بفرستد و سؤال نماید از درگاه باری تعالی که اعمال ناقصه او را قبول درگاه فرماید
انوقت دست و صورت خود را بحجر الاسود رساند و حجر الاسود را ببوسد و اگر نظر
بازدحام ممکن از بوسیدن نباشد اکتفا نماید بدست مالیدن بحجر الاسود و اگر
قدرت بر رسیدن نداشته باشد اشاره نماید بسوی حجر و مستحب است در این
وقت این دعا را بخواند اللّهمّ اَمانَتی اَدَّیتُها وَمیثاقی تَعاهَدتُهُ لِتَشهَدَ لی
بِالمُوافاةِ اللّهمّ تَصدیقاً بِکِتابِکَ وَعَلی سُنَّةِ نَبِیِّکَ اَشهَدُ اَن لا اِلهَ
اِلّا اللهُ وَحدَهُ لا شَریکَ لَهُ وَاَنَّ مُحَمَّداً عَبدُهُ وَرَسولُهُ آمَنتُ بِاللهِ وَ
کَفَرتُ بِالجِبتِ وَالطّاغوتِ وَبِاللّاتِ وَالعُزّی وَعِبادَةِ الشَّیطانِ وَ
عِبادَةِ کُلِّ نِدٍّ یُدعی مِن دونِ اللهِ و در انحالت که دستها بلند کند بگوید
اللّهمّ اِلَیکَ بَسَطتُ یَدی وَفیما عِندَکَ عَظُمَت رَغبَتی فَاقبَل سُبحَتی وَاغفِر لی
وَارحَمنی اللّهمّ اِنّی اَعوذُ بِکَ مِنَ الکُفرِ وَالفَقرِ وَمَواقِفِ الخِزیِ فِی الدُّنیا
وَالآخِرَةِ هشتم آنکه طواف را نزد زوال الشمس بجا آورد نهم آنکه در حین طواف
پای برهنه باشد دهم آنکه در حین طواف گامها را نزدیک یکدیگر بگذارد و بعضی فرجه بران
کامها کم باشد یازدهم آنکه در هر شوطی از اشواط طواف دست بحجر الاسود رساند و ببوسد
حجر را با ارکان و غیرهم از برای غیر و اگر در هر شوط ممکن نبوده باشد در شوط اول و آخر
چنین کند دوازدهم آنکه در جمیع حال طواف مشغول بذکر خداوند عالم باشد با خضوع و خشوع

۱۱۱۳ کم

در سعلی

سیزدهم آنکه در حال طواف این دعا را بخواند اللّهمّ اِنّی اَسئَلُکَ بِاسمِکَ
الَّذی یُمشی بِهِ عَلی ظُلَلِ الماءِ کَما یُمشی بِهِ عَلی جُدَدِ الأَرضِ وَاَسئَلُکَ بِاسمِکَ
الَّذی یَهتَزُّ لَهُ عَرشُکَ وَاَسئَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی تَهتَزُّ لَهُ اَقدامُ مَلائِکَتِکَ
وَاَسئَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی دَعاکَ بِهِ موسی مِن جانِبِ الطّورِ فَاستَجَبتَ لَهُ
وَاَلقَیتَ عَلَیهِ مَحَبَّةً مِنکَ وَاَسئَلُکَ بِاسمِکَ الَّذی غَفَرتَ بِهِ لِمُحَمَّدٍ ما تَقَدَّمَ
مِن ذَنبِهِ وَما تَأَخَّرَ وَاَتمَمتَ عَلَیهِ نِعمَتَکَ اَن تَفعَلَ بی کَذا وَکَذا آنچه
مطلب داری از خدا و بندۀ عالم بخواهد که انشاء الله باجابت میرسد و ظلل الماء بی
نقطه است ظاهر است که بفتح ظاء و فتح لام بوده باشد یعنی روی آب و هم چنین جدد
بفتح جیم و دال بی نقطه است یعنی روی زمین اینجا سنت است در حال طواف این
دعا را بخواند اللّهمّ اِنّی اِلَیکَ فَقیرٌ وَاِنّی خائِفٌ مُستَجیرٌ فَلا تُغَیِّر جِسمی وَلا تُبَدِّل
اِسمی چهاردهم آنکه در هر شوط از طواف که بدر خانه کعبه برسد صلوات بر محمد
و آل محمد بفرستد و این دعا را بخواند سائِلُکَ فَقیرُکَ مِسکینُکَ بِبابِکَ فَتَصَدَّق
عَلَیهِ بِالجَنَّةِ اللّهمّ البَیتُ بَیتُکَ وَالحَرَمُ حَرَمُکَ وَالعَبدُ عَبدُکَ وَهذا
مَقامُ العائِذِ بِکَ المُستَجیرِ بِکَ مِنَ النّارِ فَاعتِقنی وَوالِدَیَّ وَاَهلی وَوُلدی
وَاِخوانِیَ المُؤمِنینَ مِنَ النّارِ یا جَوادُ یا کَریمُ پانزدهم آنکه در وقت رسیدن
برکن یمانی سر را بلند کند بسوی کعبه و بگوید اَلحَمدُ لِلّهِ الَّذی شَرَّفَکِ وَعَظَّمَکِ وَالحَمدُ
لِلّهِ الَّذی بَعَثَ مُحَمَّداً صَلَّی اللهُ عَلَیهِ وَآلِهِ نَبِیّاً وَجَعَلَ عَلِیّاً اِماماً اللّهمّ اهدِ لَهُ

بجبار خلفك وتحته شر ادخلتك سیزدهم آنکه در مابین رکن یمانی و حجر الا
اسود دعا را بخواند ربنا آتنا في الدنيا حسنة وفي الآخرة حسنة وقنا عذاب
النار چهاردهم آنکه بعد از شروع بحجر اسمعیل قبل از رسیدن بمحاذات میزاب
سر را بلند کند و نظر بمیزاب اندازد و بگوید اللهم ادخلني الجنة برحمتك واجرني
برحمتك من النار وعافني من السقم واوسع علي من الرزق الحلال
وادرأ عني شر فسقة الجن والانس وشر فسقة العرب والعجم پانزدهم
آنکه در وقتیکه رسید به پشت کعبه مستحبست این دعا را بخواند حین تکاد نمودن از حجر
یا ذا المن والطول والجود والكرم ان عملي ضعيف فضاعفه لي وتقبله
مني انك انت السميع العليم شانزدهم آنکه بگیرد رکن یمانی را و دست بمالد جمیع
ارکان را هفدهم ایستادن نزد مستجار و بغل گرفتن آن در شوط هفتم و دور برابر مستجار
کند و اعتراف نمودن بگناهان خود و سؤال مغفرت نمودن از خداوند عالم و همچنین
سنتست اینکه دعا را نزد مستجار بخواند اللهم البيت بيتك والعبد عبدك و
هذا مقام العائذ بك من النار اللهم من قبلك الروح والفرج و مبالغه
۳۲ در دعا و در اکثار حوائج مطالب دینی و دنیوی نماید مطلب چهارم آنکه شرطست در
طواف واجب طهارت از حدث اکبر و اصغر چه از آل غسل و چه از آل وضو و هرگاه ممکن نشود
آب تیمم نماید و همچنین شرطست ازاله نجاست از ثوب و بدن مطلقا هر چند در
طواف مستحب باشد مگر از آنچه معفوست در نماز از خون قروح و جروح و خون اقل از درهم چند

ودوم

و در دوم احوط جنابت و همچنین شرطست در آن پوشیدن عورت و شرطست در
مرد ختنه نمودن مطلقا چه در واجب و چه در مستحب با امکان آن و در زن و خنثی و غیر بالغ
از ذکور شرط نیست هر چند در غیر بالغ احوط اشتراطست مطلب پنجم در آنکه واجبست در
طواف امور چند اول نیت و قصد قربت نمودن و تعیین طواف و وجوب یا ندب
و بودن آن از برای حج الاسلام یا غیر حج الاسلام و تمتع یا غیر تمتع و معتبرست در
آن استدامت نیت تا آخر عمل دوم ابتدا نمودن بحجر الاسود و ختم نمودن بان و
کفایت میکند در آن صدق عرفیه باینکه در عرف بگویند که ابتدا نمود بحجر الاسود و ختم
نمود بان ولیکن احوط است که بگذراند در ابتداء اول جزء از حجر را محاذی اول
جزء از مقادیم بدن باینکه اجزای بدن او که پیش از همه اعضاء است مثل سر انگشت بزرگ
پای یا طرف بینی او برابر شود با جزء اول حجر الاسود و بگردد دور خانه تا آنکه بهمان
جا برسد چونکه مشهور میان متاخرین لزوم است و چون که به وجه تیقن میذارد مشکلست
خصوصا در اوقات ازدحام اگر قدری پیش تر از حجر الاسود بایستد باین نیت که
ان قدر که برابر اول حجرست اول طواف باشد ضرر ندارد بلکه گاهی ضرورست چنین
کند از باب مقدمه و همچنین در دور هفتم شوط تمام میشود باز مشهور میان متاخرین که باید
بهمان جا ختم کند که ابتدا کرده بود زیاد و کم نکند و این نیز مشکلست که بعید نیست غالبا
است که همینکه صدق عرفی که شوط را بجای اول رسانید و تمام کرد کافی است و در
اینجا نیز در شوط آخر طواف قدری از حجر بگذرد از باب مقدمه و باین نیت که ان قدر که

برابر حجر رد اخر طوافش باشد خواست سیم آنکه در حال طواف خانه کعبه را از طرف چپ
قرار دهد و مدار بر صدق عرفی است که طواف بر یسار است پس مضر نیست انحراف کمی بر سمت
راست نمودن و اگر مخالفت نماید باینکه خانه را بطرف راست اندازد یا مقابل روی
یا پشت سر هر چند بقدر گامی باشد باطل است خواه عمدا باشد خواه سهوا خواه جهلا و واجب است اعاده
آن چهارم آنکه داخل نماید حجر اسمعیل را از مطاف و اگر طواف کند ما بین حجر اسمعیل و خانه
آن شوط باطل است و واجب است اعاده آن شوط از اول پنجم آنکه طواف واقع شود
در میان مقام ابراهیم و خانه با مراعات بعد مقام را در جمیع اطراف خانه و مراد از مقام
در اینجا سنگی است که در آن اثر قدم حضرت ابراهیم است ششم آنکه طواف هفت
شوط باشد پس هرگاه کم باشد از هفت شوط هر چند یک شوط یا بعض شوط باشد هر چند بقدر
یک گام برداشتن باشد طواف آن باطل است هفتم بدانکه واجب چهارم از واجبات
عمره تمتع نماز طواف است و آن دو رکعت است بعد از طواف و لکن وجوب آن مخصوص است
بطواف واجب و مستحب است در طواف مستحب و واجب است آنکه بجای بیاورد عقب آن
در هرگاه ممکن نباشد بجا آورد در یکی از دو جانب آن و هرگاه فراموش نماید نماز را اگر
برگردد و بکند با امکان و عدم عسر و حرج و هرگاه ممکن نباشد یا متعسر باشد هر جا که متذکر
شود بکند و احوط آنست که تقدیم بدارد مسجد را بر غیر مسجد و حرم را بر غیر حرم و باید در این
نماز تعیین نیت کند که دو رکعت نماز طواف عمره تمتع میکنم واجب قربة الی الله دو رکعت
اول اولی آنست که سوره توحید بخواند و در رکعت دوم سوره جحد و بعد از فراغ از دو رکعت نماز

سنت

سنت است که برود نزد چاه زمزم و یک دلو یا دو دلو از آب چاه زمزم بکشد و قدری
از آن آب را بخورد و قدری بر سر و پشت و شکم خود بریزد و این دعا را بخواند اللهم
اجعله علما نافعا و رزقا واسعا و شفاء من کل داء و سقم بعد از آن برود نزد
حجر الاسود و دست بحجر الاسود بمالد و حجر الاسود را ببوسد فصل پنجم در سعی است
بدانکه واجب پنجم از واجبات عمره تمتع سعی میان صفا و مروه است و در آن چند مطلب است
مطلب اول بدانکه واجب در سعی چند چیز است اول نیت باینکه نیت کند سعی مینمایم و راه
میروم ما بین صفا و مروه در عمره تمتع مثلا قربة الی الله و اظهر کفایت قصد قربت است هر چند
احوط تعیین وجوب و ندب است و معتبر است مقارن نیت با اول عمل و استدامه آن
تا بفراغ دوم ابتدا نمودن بصفا و ختم بمروه و هرگاه عکس نماید عمدا یا سهوا یا جهلا
باطل است سیم آنکه سعی نماید هفت شوط را و مراد از شوط در اینمقام مرتبه راه
رفتن است میان صفا و مروه که از صفا تا مروه شوط اول است و از مروه تا صفا شوط
دوم است و هم چنین است تا آخر پس باید بعد از نیت پاشنه دو پا را بصفا بچسباند و شروع
برفتن بسمت مروه نماید تا برسد بمروه باینکه انگشتهای دو پا را بمروه برساند آن وقت
شوط اول تمام میشود بعد از آن قصد شوط دوم را بکند و پاشنه دو پا را بمروه بچسباند
پس شروع برفتن بسوی صفا نماید تا برسد بصفا مثل اول آن وقت شوط دوم تمام میشود
و هم چنین نماید تا آخر که هفتم است که از صفا ابتدا کند و ختم بمروه مینماید لکن آنچه مذکور
شد که واجب است پاشنه دو پا را بصفا یا بمروه بچسباند در صورتی است که بالای صفا رفته باشد

پس اگر بالای صفا بوده باشد همان پایین آمدن از صفا کفایت می‌نماید بعد از آن
و هم چنین است حال در مروه لیکن واجب نیست بالا رفتن بصفا یا مروه بلکه کفایت می‌کند بسایدن
سرانگشتان را بمروه و احوط چسبانیدن پاشنه هر دو پا است بصفا و هم چنین انگشتان دو
پا است بمروه نه انگشتهای یک پای **چهارم** آنکه در حین رفتن از مروه بجانب صفا عکس آن
کند پشت بمروه نماید و رو به صفا پس اگر خلاف این بکند یا قهقری برود باطل است
بخلاف آنکه هرگاه التفات بطرف یمین یا یسار کند ضرر ندارد و جایز است آنکه راه
برود سواره لیکن پیاده افضل است **پنجم** آنکه راه برود بطریق متعارف نه آنکه داخل
شود از دری از مسجد الحرام و بیرون رود از در دیگر پس اگر چنین بکند کفایت نمی‌کند
چونکه خلاف مشهور و خلاف ظاهر از اخبار است **مطلب دوم** بدانکه سنت است در حال
سعی طاهر بودن از حدث و خبث بلکه احوط عدم ترک است و سنت است بیرون رفتن
بصفا از دری که محاذی آن در سنگ است بیرون رود و سنت است که بایستد دو قدم
ارام باطن و ظاهر باشد برود بالا رود از کوه صفا بحدی که خانه کعبه دیده شود و روی
ادمه رکنی که حجر الاسود در آن است بشود و حمد و ثنا بکند جناب احدیت را و ذکر نماید
از نعمتهای الهی و تفضلات الهی و بگوید نعمای او آنقدر که تواند پس هفت مرتبه بگوید الله اکبر
و هفت مرتبه بگوید الحمد لله و هفت دفعه لا اله الا الله و سه مرتبه لا اله الا الله وحده
لا شریک له له الملک و له الحمد یحیی و یمیت و هو حی لا یموت بیده الخیر
و هو علی کل شیء قدیر پس صلوات بر جناب رسالت پناهی بفرستد و بگوید الله اکبر

علی ما هدانا و الحمد لله علی ما اولانا و الحمد لله الحی القیوم و الحمد لله الحی
الدائم سه دفعه و بگوید اشهد ان لا اله الا الله و اشهد ان محمدا عبده و رسوله
لا نعبد الا ایاه مخلصین له الدین و لو کره المشرکون سه دفعه و بگوید اللهم انی
اسئلک العفو و العافیة و الیقین فی الدنیا و الآخرة سه دفعه اللهم
آتنا فی الدنیا حسنة و فی الآخرة حسنة و قنا عذاب النار سه دفعه پس صد
دفعه سبحان الله و بعد از آن بگوید لا اله الا الله وحده وحده و انجز وعده
و نصر عبده و غلب الاحزاب وحده فله الملک و له الحمد وحده وحده
اللهم بارک لی فی الموت و فیما بعد الموت اللهم انی اعوذ بک من ظلمة القبر
و وحشته اللهم اظلنی فی ظل عرشک یوم لا ظل الا ظلک پس بگوید بسیار
استودع ربی و دینی و نفسی و اهلی پس بگوید استودع الله الرحمن
الرحیم الذی لا یضیع ودائعه نفسی و دینی و اهلی اللهم استعملنی علی
کتابک و سنة نبیک و توفنی علی ملته و اعذنی من الفتنة پس صد دفعه
الله اکبر بگوید پس اعاده نماید از آن دو دفعه پس الله اکبر بگوید پس اعاده نماید از آن
یک دفعه و احتمال دارد مقصود از اعاده در دو مقام اعاده استودع الله تا آخر باشد
و جمع میان هر دو خوب است و اراده احتمال اعاده تمام عمل چنانچه بعضی فهمیده‌اند در دو
مقام بسیار دور است و لیکن بقصد ذکر و دعا نه بقصد خصوصیت ادراک تمام از آن مذکور
بسیار خوب است پس اگر استطاعت بهم رساند که جمیع آنچه گذشت بجای آورد و بعضی از آنها

دست بسته است توقف نماید بر صفا بقدر آنکه سوره بقره بخواند در حرمت که اگر میسر نباشد
شود حال تو بسیار طول بده ماندن بر صفا و مروه را و بعد از پایین آمدن از صفا
بایستد بر پله چهارم مقابل کعبه معظمه و بگوید اللهم انی اعوذ بک من عذاب
القبر و فتنته و غربته و وحشته و ظلمته و ضیقه و ضنکه اللهم اظلنی فی
ظل عرشک یوم لا ظل الا ظلک و بعد از آن پایین برود از پله چهارم و در
پایین رفتن پشت خود را برهنه کند یا رب العفو یا من امر بالعفو یا من هو اولی
بالعفو یا من یثیب علی العفو العفو العفو العفو یا جواد یا کریم یا قریب یا بعید
اردد علی نعمتک واستعملنی بطاعتک و مرضاتک پس برود روی بمروه
با آرام ظاهر و باطن تا بمناره و دست است پیاده روی در میان تند و هموار رفتن در
طرفین مسافت میان صفا و مروه و تند رفتن که نیمه آن هروله و در یک سیاه
در میان مناره و بازار عطاران چه از صفا بمروه رود و چه از مروه بصفا و این حکم مخصوص
مردان است نه از برای زنان چنانچه از برای پیاده است نه از برای سواره لیکن سواره
سواره باید سنت است حرکت بدهد حیوان خود را که تند برود و در محل هروله که سنت است
که هرگاه از مناره گذشت بگوید بسم الله والله اکبر و صلی الله علی محمد و علی اهل بیته
اللهم اغفر وارحم و تجاوز عما تعلم و انت الاعز الاکرم تا برسد بمناره دیگر که
بازار عطاران است پس از آنجا هرگاه گذشت بگوید یا ذا المن والفضل والکرم و
النعماء والجود اغفر لی ذنوبی انه لا یغفر الذنوب الا انت و برود تا برسد

با رام

بارام تن و آرام دل چنانچه گذشت پس بالا رود بمروه تا ظاهر شود از برای او خانه کعبه
و بکند آنچه گذشت در صفا از اعمال و مکروه است نشستن بین صفا و مروه بدون ضرورت
و قصد راحت در هر یک از دو صورت مکروه است **مطلب سیم** در احکام است
بدانکه سعی مثل طواف رکن است باطل میشود حج و عمره بترک آن عمدا و اما سهوا پس
باطل نمیشود و لکن واجب است عود نماید و بجای بیاورد و هرگاه ممکن نشود یا شاق باشد بر او
نایب بگیرد و هرگاه واجب شد قضا طواف احوط اعاده سعی است و باطل میشود سعی بزیاد
کردن در سعی عمدا مثل طواف و اما سهوا پس ضرر ندارد و لیکن هرگاه شوط هشتم که
زیاد شده است هرگاه تمام نکرده باشد لازم است آن زیادتی را طرح کند و باقی
که هفت شوط است صحیح است و هرگاه شوط هشتم را تمام کرده باشد خلافست در لزوم
اسقاط زیادتی و تخییر در میان آن و تمام کردن بچهارده شوط و اول احوط است هر چند جواز
اتمام اقرب است و اگر یقین داشته باشد در عدد اشواط و شک داشته باشد که ابتدا از صفا
نموده یا از مروه اگر در عدد زوج در مروه است باطلست و اگر در عدد فرد در مروه است
صحیح است و اگر در عدد فرد در صفا است باطل است و اگر در عدد زوج در صفا است صحیح است
و اگر شک نماید در عدد اشواط و در مروه باشد میان نقص و اتمام باطلست و اگر مردد باشد
میان اتمام و زیاده و شروع در صفا باشد صحیح است مثل آنکه در مروه باشد و شک کند
میان هفت و نه حکم میکند به هفت است و صحیح است و اگر شروع است مثل آنکه شک کند در هفت
و نه و در صفا باشد باطل است و اگر یقین داند که کم کرده است بجای آورد آنرا اگر

یک گام باشد واگر در اثنای سعی بخاطرش برسد که نماز طواف نکرده است انموضع را نشان
بکند و بیرود و نماز بکند و بیاید و سعی را از انموضع تمام میکند و همچنین است هرگاه
قطع نماید سعی را بجهت دخول وقت نماز چه وقت آن تنگ شده باشد یا نه یا بجهت حاجتی
مومنی لکن هرگاه بعد از آنکه چهار شوط کرده باشد بوده تمام به آن حالت و هرگاه پیش از آن
باشد احوط اتمام از همان جاست که قطع نموده است و بعد از آن استیناف نمودن هر چند
اقرب کفایت اتمام است مطلقا هرگاه سعی نماید شش شوط پس ظن کند بر اتمام سعی پس
جمع شود و مواقعه نماید با اهل خود یا بگیرد ناخنهای خود را پس متذکر شود که یک شوط باقی است
تمام نماید سعی خود را و در بعضی اخبار وارد شده است وجوب کشتن بقره بران و جمعی بان
عمل کرده اند و آن احوط است **فصل سیم** در تقصیر است بدانکه بعد از ادای اعمال عمره تقصیر است
و واجب در آن که نیت کند مقارن تقصیر و احوط آنست که چنین نیت کند که تقصیر میکنم
از جهت حل شدن از عمره تمتع و عمره اسلام از جهت آنکه واجبست قربة الی الله و بعد از آن تقصیر کند
بآنکه جدا کند موی یا ناخن را اگرچه باشد از موی سر یا ریش یا شارب یا جای دیگر
آن سر تراشیدن بلکه حرام است بر او سر تراشیدن تا روز عید و در عمره مفرده مخیر است
میان سر تراشیدن و تقصیر کردن و در این عمره طواف نساء نیست و در عمره مفرده طواف نساء
واجب است بعد از سر تراشیدن یا تقصیر کردن و سنت است که از اطراف موی سر و موی
جبین و ریش و شارب بگیرد و بعضی از ناخنها را بگیرد و بعضی را از برای حج بگذارد و
در روز عید بگیرد و ابتدا بموی پیش سر کند و سنت است که شبیه بمحرمان باشد و از خود خوشبو

نپوشد

نپوشد تا احرام حج بگیرد و بیرون رود و منتظر باشد تا وقت وقوف بعرفات
مبحث سیم در اعمال واجبات حج است و اعمال آن برسم اجمال آنست که بعد از
فراغ از عمره بنحوی که گذشت باید در مکه معظمه احرام حج تمتع ببندد و بعد از نماز ظهر بعد
از آن سنت است که شب عرفه در منی باشد تا طلوع فجر بعد از آن واجبست که از ظهر آن
روز تا غروب آفتاب از روز در عرفات باشد با نیت قربة بعد از غروب آفتاب
باید کوچ کند و بمشعر الحرام برود و شب عید قربان باید در مشعر الحرام باشد با نیت قربة
تا طلوع آفتاب روز عید بعد از طلوع آفتاب باید کوچ کند و بمنی بیاید و در آنجا باید
سر خود را تراشد و قربانی کند و هفت سنگ ریزه بجمره عقبه بزند جمره عقبه اسم
تلی ریگ است که نزدیک مکه است و باید اول سنگ ریزه را بزند بعد از آن قربانی کند
بعد از آن سر تراشد و هر سه اینها باید در روز عید قربان باشد بعد از آن همان روز
یا روز یازدهم باید بمکه برگردد و طواف حج و سعی را بکند بعد از آن طواف نساء را بجا
آورد و بعد از انداختن سنگ ریزه و قربانی کردن و سر تراشیدن در روز عید دار از هر
چیزی که باحرام حرام شده باشد بر او حلال میشود و پوشیدن جامه دوخته و غیر آن حلال
میشود بر او مگر زن و بوی خوش بعد از آنکه سعی کرد بوی خوش هم حلال میگردد بر او و بعد
از طواف نساء زن نیز حلال میشود از برای او و باید شب یازدهم و دوازدهم [illegible] هر روز
هفت سنگ ریزه بجمره اولی که نزدیک مشعر الحرام است بزند و بعد از آن هفت سنگ ریزه
بجمره وسطی بیندازد و بعد از آن هفت سنگ بجمره عقبه که در نزدیک مکه معظمه است بیندازد

و اعمال حج این تمام میشود پس افعال حج دوازده احرام و وقوف در عرفات و وقوف در مشعر
و رمی جمره در منی و ذبح یا نحر و حلق یا تقصیر و طواف زیارت و دو رکعت نماز آن و سعی بین
بعد از آن و دو ... که واجب در منی بوده باشد در لیالی تشریق و رمی جمرات ثلث در هر روز
ایام تشریق و بیان این افعال بر سبیل تفصیل در چند مطلب میشود **مطلب اول** در احرام
حج است بدانکه باید بعد از عمره تمتع در مکه قصد نماید که احرام حج تمتع میبندم واجب قربة الی الله
و دو ثوب احرام بپوشد و تلبیات اربع را بگوید باین مضمون لبیک اللهم لبیک
لبیک لا شریک لک لبیک و احوط آنست که بعد از آن بگوید ان الحمد والنعمة
لک والملک لا شریک لک و بعد از بستن احرام این چهار تلبیه را تا نگوید احرام
بسته نمیشود و حرام نمیشود بر او آنچه حرام است در حالت احرام و هرگاه بعد از بستن
چهار تلبیه را بگوید حرام میگردد بر او آنچه در حال احرام حرام است و کفاره بر آن واجب
میشود و باقی احکام احرام حج و چیزهائی که باید در حال احرام با کفاره آنها اگر بکند
همانست که در احرام عمره بیان شد و مستحب است در وقت اراده احرام
بحج تنظیف بدن و تطهیر آن از کثافات و نوره کشیدن و هرگاه نوره بجهت احرام
عمره کشیده باشد و فاصله ما بین آن و بین احرام حج اقل از پانزده روز بوده باشد
اکتفا بهمان نوره سابق میتوان نمود نوره دیگر ضرور نیست و علامه مجلسی جمیع آدابی که در
احرام عمره تمتع مستحب است در این احرام نیز مستحب است و تفاوتی ندارد مگر در چند چیز
در مکان احرام که احرام بحج تمتع لازم است در مکه منعقد شود و در هر موضعی از

مکه که بوده باشد لکن افضل آنکه این احرام در مسجد الحرام است و افضل از آن تحت میزاب
یا مقام حضرت ابراهیم است **مطلب دوم** در نیات است که در اینجا بستن احرام حج تمتع
یعنی اول نیت میکند که حج تمتع میکنم بوجوبه قربة الی الله بعد از آن نیت احرام حج
که اول اجزای حج است میکنم باینکه احرام حج تمتع میبندم لوجوبه قربة الی الله پس
در مسجد الحرام یا در موضعی دیگر از مکه شش رکعت نماز احرام بجا آورد قبل از احرام
یا دو رکعت بنحوی که بیان شد بعد از آن سؤال نماید از خدا و دعای مستحبی را
براو بگوید اللهم انی ارید الحج فیسره لی وحلنی حیث حبستنی لقدرک
الذی قدرت علی آنوقت شروع میکند بتلبیه بنحوی که در سابق مذکور شد
و مستحب است که در این مقام علاوه نماید بر آنچه سابق ... کلام را
لبیک بحجة تمامها و بلاغها علیک **مطلب سیم** در وقت احرام است ب
احرام بحج را در یوم ترویه که هشتم ذی الحجه است بعد از نماز ظهر بجا بیاورد
سنت است که بعد از آن برود بمنی ... را در منی بماند و سنت است وقتیکه توجه
بمنی میشود بگوید اللهم ایاک ارجوا و ایاک ادعوا فبلغنی املی و اصلح لی عملی
و در وقتیکه وارد منی میشود سنت است بگوید اللهم هذه منی وهی مما مننت
بها علینا من المناسک فاسئلک ان تمن علینا بما مننت به علی انبیائک
فانما انا عبدک وفی قبضتک و در روز نهم که روز عرفه است از منی برود
بعرفات اولی آنست که قبل از طلوع شمس از وادی محسر که حد منی است بگذرد

شب را در منی بماند و تکرار تلبیه مستحب است تا زوال روز عرفه و بعد از زوال قطع تلبیه باید
حرمت است که جناب رسول خدا صلعم در روز عرفه بعد از زوال شمس قطع تلبیه
بفرمودند بعد از قطع تلبیه سنت است تهلیل و تمجید و ثنای خداوند عالم جل جلاله

مطلب دوم در وقوف به عرفات است و در آن چند بحث است بحث اول

در آنکه واجب در وقوف به عرفات چند چیز است اول نیت و احوط است که نیت نماید
که میمانم در عرفات از جهت آنکه واجب است در حج تمتع یا غیران از حجة الاسلام یا حج منذور
یا غیران از منذور و غیران قربة الی الله دوم ماندن در عرفات از اول ظهر تا
غروب لیکن واجب نیست تمام این وقت را بماند در عرفات از اول ظهر تا غروب بلکه
بلکه جایز است که غسل و نماز ظهر و عصر را در بیرون عرفات بکند و بعد از آن داخل در
عرفات شود بلکه ظاهر است که هرگاه قدری تا غروب مانده باشد داخل در عرفات شود
که صدق نماید وقوف در عرفات در هر روز کفایت میکند در ادای واجب و احوط
است که از ظهر تا غروب در عرفات باشد و قصد وجوب مجموع کند بلکه تا غروب
کفایت میکند و اگر پیش از غروب از عرفات بیرون رود بغیر از منی بالمشعر یا سنگ
برادر چیزی نیست لیکن اگر قبل از غروب داخل نگردد اگر اسامد واجب عود نماید
در عرفات و اگر عمداً قبل از غروب بیرون برود واجب جبر نماید از انجبرد بران
بدنه در روز نحر و هرگاه عاجز باشد از آن هجده روز روزه بگیرد چه در راه و چه بعد از
در وطن خانه خود لیکن هرگاه برگردد پیش از غروب کفاره ساقط است از آن و هرگاه بعد از

غروب

غروب عود نماید ساقط نمیشود و فرق نیست در اجزاء و صحت وقوف به عرفات میان
آنکه بر زمین باشد یا سوار لیکن اگر خواب یا بیهوش باشد پیش از ورود به عرفات
و مستمر بماند خواب یا بیهوش تا آخر وقت مجزی نیست از وقوف چنانچه اگر داخل
عرفات شود و بدانند که وارد شد تا وقت مشغول شود مجزی نیست سوم آنکه وقوف در
در اصل عرفات باشد پس همراه در نمره یا عرفه یا ثویه یا ذو المجاز یا تحت الاراک وقوف
نماید کفایت نمیکند چه که اینها خارج از عرفات و حدود عرفات اند و عرفه میان

بحث دوم در مستحبات است آنکه پیش از دخول به عرفات غسل نماید و نیت الی

رفتن از مکه بجانب عرفات در روز هشتم ذی الحجه قبل از آن و این روز را یوم الترویه
گویند لیکن اگر بیمار باشد یا از کثرت ازدحام مردم صعب باشد بر آن قبل از یوم ترویه و
به یک روز یا دو روز یا سه روز از مکه بیرون رود ضرر ندارد دوم آنکه در وقت
رفتن بجانب عرفات این دعا را بخواند اللّهم لبیک صمدت وایاک اعتمدت
ووجهك اردت فاسئلك ان تبارك لي في رحلتي وان تقضي حاجتي
وان تجعلني اليوم ممن تباهي به من هو افضل مني سوم آنکه چون در راه عرفات
بمنی برسد این دعا را بخواند اللّهم هذه منى وهي مما مننت به على انبيائك فانا
عبدك وفي قبضتك چهارم آنکه نماز ظهر و عصر و مغرب و عشا را در منی بگذارد پنجم
آنکه در شب نهم ذی الحجه که شب عرفه است در منی تا طلوع فجر توقف نماید ششم آنکه نماز صبح را
نیز در منی بگذارد و افضل است که تا طلوع آفتاب در منی توقف نماید و بعد از آن از منی بسوی عرفات

گردد هفتم آنکه خیمه خود را در بیرون عرفات نزند در مکانی که به عرفات متصل است و آن
مکان را نمره میگویند که سیم در سنتهائیکه در اثنای وقوف بجا آوردن آنها سنت است
و آن دوازده امر است اول غسل کردن بجهت وقوف و نیت چنین کند که غسل وقوف بعرفات
میکنم از جهت آنکه سنت است قربة الی الله و باید که این غسل بعد از ظهر در اول وقوف
واقع شود دوم با وضو بودن سیم آنکه جمع کند میان نماز ظهر و عصر بیک اذان
و دو اقامه اگرچه مقیم بوده باشد و ترک نافله ظهرین نماید و بعد از فراغ از ادای
فریضتین مشغول ذکر و دعا و استغفار شود و در حدیث صحیح است که مشغول حمد خدای
عالم و تهلیل و تمجید و ثنای شود چهارم آنکه برپای ایستد از وقت ظهر تا وقت شام
پنجم آنکه روی بقبله باشد از اول وقت تا آخر وقت ششم آنکه خاطر خود را از هیچ
امر مشغول نسازد و متوجه درگاه الهی شود با خضوع و خشوع هفتم آنکه میان او و آسمان
حایل نباشد مثل خیمه و کوه هشتم آنکه گناهان خود را یک یک بشمرد و استغفار کند
نهم آنکه صد نوبت الحمد لله و صد نوبت لا اله الا الله و صد نوبت الله اکبر
و صد نوبت سبحان الله بگوید دهم آنکه صد مرتبه قل هو الله احد را بخواند و در حدیث
صحیح است که بسیار مبالغه نماید در دعا و سؤال و هر حاجت که خواهد از خداوند عالم
طلب نماید و پناه ببرد به پروردگار عالم از شر شیطان پس بدرستیکه غافل میکند ترا شیطان
در هیچ موضعی مثل غافل گردانیدن در این موضع و اجتناب کند از لغو کردن بناس یازدهم
آنکه این دعا را بخواند اللهم رب المشاعر کلها فک رقبتی من النار واوسع علی

الرزق

الرزق الحلال وادرأ عنی شر فسقة الجن والانس اللهم لا تمکر بی ولا تخدعنی
ولا تستدرجنی یا اسمع السامعین ویا ابصر الناظرین ویا اسرع الحاسبین
ویا ارحم الراحمین اسألک ان تصلی علی محمد وآل محمد وان تفعل بی
کذا و کذا و ذکر حاجت خود را بکند بعد از آن دستها را بسوی آسمان بلند کند و
بگوید با تضرع و ابتهال اللهم حاجتی الیک التی ان اعطیتنیها لم یضرنی ما
منعتنی والتی ان منعتنیها لم ینفعنی ما اعطیتنی اسألک خلاص رقبتی من
النار اللهم انی عبدک وملک یدک وناصیتی بیدک واجلی بعلمک اسألک
ان توفقنی لما یرضیک عنی وان تسلم منی مناسکی التی اریتها ابراهیم خلیلک
ومحمدا ص ودللت علیها حبیبک محمدا ص تمام شد و از جمله دعاها که در این وقت
مناسب است بخواند این است اللهم اجعلنی ممن رضیت عمله واطلت عمره و
احییته بعد الموت حیوة طیبة و بهترین دعاها در این وقت دعای صحیفه کامله است
که معروف است بدعای یوم العرفه دوازدهم سنت است دعا در حق برادران ایمانی
و مبالغه در آن در کافی است بسند صحیح از ابراهیم بن هاشم که او گفت من دیدم عبدالله
بن جندب را در عرفات هیچ کس افضل از او ندیدم و دائما دو دست او بسوی آسمان بلند
بود و اشک از دیدهای او جاری بود بنحوی که اشک چشم او بر زمین میرسید چونکه مردم
متفرق شدند گفتم باو که ندیدم هیچکس را در عرفات که اینکه از تو بهتر کرده باشد او در جواب
گفت والله که این حاجات که دیدی که کردی دعا نکردم مگر در حق برادران دینی خود بعلت آنکه از

مولای و سرور خود جناب موسی بن جعفر علیه السلام شنیدم که میفرمودند که هر کس دعا نماید در حق
برادران دینی خود ندا میرسد از عرش از برای تو است صد هزار ضعف آن پس
خوش نداشتم آنکه بگذارم صد هزار ضعف را که اجابت آنها مضمون است و اختیار نمایم
دعای خود را در حق خود که نمیدانم آن مستجاب خواهد بود یا نه **بحث چهارم** در لواحق آن است
بدانکه وقوف بعرفات رکن است پس اگر ترک کند عمداً کسی باطل میشود حج او و اگر ترک کند
بسبب عذری تدارک نماید هر چند پیش از فجر شب عید باشد اگر ممکن شود بشرط آنکه تواند
ادراک نماید مشعر را پیش از طلوع آفتاب و اگر ممکن نشود اکتفا نماید بموقف بودن
در مشعر و هرگاه علم داشته باشد یا مظنه بر درک نمودن عرفات یا درک نمودن اول حکم
حکم آن ظاهر است و اما هرگاه شک داشته باشد اکتفا نمودن باختیاری مشعر و هرگاه
ممکن نشود او را ادراک عرفات پیش از فجر یا ادراک مشعر کفایت نماید مشعر و حج او
تمام است و کفایت میکند بر این در ماندن عرفات مسمای وقوف و طهارت از
حدث و ستر عورت و استقبال قبله در وقوف نه واجب و نه شرط است بلکه سنت است
مطلب سیم در وقوف بمشعر الحرام است و در آن سه فصل است **فصل اول**
بدانکه وقت مغرب شب نهم ماه که داخل شود پیش از نماز مغرب از عرفات باید متوجه
مشعر الحرام شود و چون بمشعر الحرام برسد نیت کند که از این وقت تا طلوع آفتاب توقف
میکنم در مشعر الحرام در حج تمتع قربة الی الله لیکن خلاف و اشکال است در آنکه واجب وقوف
نمودن بمشعر الحرام بعد از فجر تا طلوع آفتاب از برای فقیر و از طلوع آفتاب تا زوال

وقف

وقف وقوف است از برای مضطر لیکن واجب نیست باستمرار ماندن در این وقت بلکه
مسمی کفایت میکند هر چند استمرار احوط است و لیکن خلاف و اشکال در وجوب آن نیست
بالصبح در مشعر الحرام و اولی آنست که نیت نماید وقوف در آن شب را در مشعر الحرام بقصد قربت
و متعرض وجوب و ندب نشود هر چند وجوب آن ارجح است و وقوف بمشعر الحرام
از اعظم اجزای حج است مشروط نیست در آن طهارت بلکه هرگاه جنب یا حائض باشد مجزی است
و حد مشعر الحرام زمینی است که میان مازمین و حیاض است تا وادی محسر و جایز است
افاضه از عرفات و سیر پیش از فجر از برای زنان و در حال ضرورت از برای
هر صاحب عذری و اگر بیرون آید با علم و عمد کسی که بر او جایز نیست واجب است بر او جبر نماید
از آنکه گوسفندی و باطل نمیشود حج آن اگر وقوف نموده باشد بعرفات و هرگاه خواب
یا بیهوش باشد پیش از ورود بعرفات و مستمر ماند بخواب یا بیهوشی تا آخر وقت مجزی
نیست از وقوف چنانچه اگر وارد بمشعر الحرام شود و نداند که وارد شده است تا وقت
منقضی شود مجزی نیست **فصل دوم** در مستحبات و آداب بدانکه سنت است در وقت
اراده بیرون آمدن از عرفات کند این دعا را بخواند اللّهم لا تجعله آخر العهد من
هذا الموقف وارزقنيه ابداً ما ابقيتني واقلبني اليوم مفلحاً منجحاً مستجاباً
لي مرحوماً مغفوراً لي بافضل ما ينقلب به اليوم احدٌ من وفدك عليك واعطني
افضل ما اعطيت احداً منهم من الخير والبركة والرحمة والرضوان والمغفرة
وبارك لي فيما ارجع اليه من اهل او مال او قليل او كثير وبارك لهم في

و باید که وقت رفتن بجانب مشعر الحرام تا نزد و با کمال خضوع و خشوع و در اثنای راه
باستغفار و طلب خلاصی از آتش جهنم مشغول باشد و سنت است که بعد از رسیدن تل
ریگ سرخ که اعراب کثیب احمر مینامند از طرف دست راست راه بگوید اللهم ارحم
موقفی و زد فی عملی و سلم لی دینی و تقبل مناسکی و تاخیر نماید نماز مغرب
و عشا را تا بمزدلفه هر چند بقدر ثلث شب بگذرد و جمع نماید میان دو نماز
بیک اذان و دو اقامه و تاخیر نماید نافله مغرب را تا بعد از عشا و سنت است که
امشب را که شب عید قربانست احیا بدارد و سنت است که تا صبح بذکر و دعا و تلاوت
قرآن مشغول باشد و از جمله دعاها این دعا را بخواند اللهم ان هذه جمع اللهم انی
اسئلک ان تجمع لی فیها جوامع الخیر اللهم لا تؤیسنی من الخیر الذی سئلتک
ان تجمعه لی فی قلبی و اطلب الیک ان تعرفنی ما عرفت اولیائک فی
منزلی هذا و ان تقینی جوامع الشر و سنت است که نماز صبح را قبل از وقوف
بجای بیاورد و بعد از فجر متطهر باشد از حدث اکبر و اصغر بلکه سنت است که اول
غسل کند از برای وقوف مشعر الحرام و نیت کند غسل میکنم از برای وقوف مشعر الحرام
سنت قربة الی الله و سنت است بعد از بجای آوردن وقوف بقدر مسمی حمد نماید خدا
عالم را و ثنا بگوید بر جناب احدیت و ذکر نماید از نعمتهای الهی و احسان از آنچه قدرت دارد
بران بدون عسر و حرج و صلوات بر پیغمبر صلی الله علیه و آله بفرستد و بگوید اللهم رب المشعر الحرام
فک رقبتی من النار و اوسع علی من الرزق الحلال و ادرء عنی شر فسقة

الجن

الجن و الانس اللهم انت خیر مطلوب الیه و خیر مدعو و خیر مسئول و لکل
وافد جائزة فاجعل جائزتی فی موطنی هذا ان تقیلنی عثرتی و تقبل معذرتی
و ان تجاوز عن خطیئتی ثم اجعل التقوی من الدنیا زادی و سنت است بر کسی که اول حج او
برساند بمشعر الحرام پای خود را چه پا برهنه باشد چه با کفش چه با چکمه لیکن اولی اول است
و سنت است از برای غیر امام که روانه شود از مشعر الحرام پیش از طلوع آفتاب بقلیلی لیکن
احوط آنست که تا طلوع آفتاب بماند و بعضی جایز دانسته اند که تجاوز نماید از وادی
محسر پیش از طلوع آفتاب و احوط خلاف است و سنت است که هروله نماید در وادی
محسر یعنی اگر پیاده است اسراع نماید در حرکت و اگر سوار است حرکت دهد حیوان
خود را و بگوید اللهم سلم لی عهدی و اقبل توبتی و اجب دعوتی و اخلفنی فیمن
ترکت بعدی و اگر فراموش نمود هروله را تلافی نماید از آنجا بعد و امام سنت است تاخیر نماید
بیرون رفتن از مشعر الحرام را تا طلوع آفتاب و سنت است که سنگ ریزه جهت رمی
جمرات از مشعر الحرام برچیند و آن هفتاد است و اگر برچیند از منزل خود در منی جایز است
و سنت است که مقدار سنگ ریزه بقدر بالای انگشت باشد و سنت است که چون آفتاب
برآید بجانب منی بروند و جایز است که زنان و شخصی که ضرورتی داشته باشد قبل از فجر از مشعر
الحرام بجانب منی روند **فصل سیم** در احکام بدانکه وقوف مشعر الحرام رکن اعظم است از ارکان
حج پس هرگاه کسی بجای نیاورد آن وقوف را نه در شب و نه بعد از فجر عمدا حج او باطل است
و هرگاه فراموش نموده باشد آنرا بالکلیه حج او هرگاه وقوف بعرفات بجای آورده باشد

اختیاری را درک نکرده، و وقوف بعرفات را اضطرارا بجای آورده باشد و وقوف مشعر را با عمره در روز ...
کرده باشد حج ان باطلست و هرگاه، هر دو وقوف را ترک نمود حج ان باطلست هر چند که
ان بغیر اختیاری باشد این اجمال امرست و تفصیل ان اینست که وقوف اختیاری عرفات
که واجبست از زوال روز عرفه است تا بغروب افتاب و وقوف اضطراری ان از
غروب افتابست در شب دهم تا طلوع فجر و وقوف اختیاری مشعر از طلوع فجر روز عید است
تا طلوع افتاب بلکه وقوف از غروب افتابست از شب عید تا طلوع افتاب بنحوی که
گذشت و وقوف اضطراری ان از طلوع افتابست تا زوال و ادراک این وقوفات
منقسم بهشت قسم میشود اول انکه ادراک نماید اختیاری هر یک از عرفات و مشعر را و این
قسم احسن و اکمل اقسام است و شبهه در صحت و کمال حج ان نمی باشد دوم انکه اضطراری
هر یک را ادراک نماید و در این خلافست و اقوی انست که ادراک حج را نموده
و حج ان صحیح است سیم انست که ادراک اختیاری عرفات و اضطراری مشعر را نموده باشد
چهارم عکس اینست که ادراک اختیاری مشعر و اضطراری عرفات را نموده باشد و حق صحت
حج است در این هر دو قسم نظر باینکه صحت حج در قسم دوم مستلزم صحت در سیم و چهارم است
بطریق اولی چنانچه مخفی نیست پنجم انست که ادراک نماید اختیاری مشعر الحرام را و ادراک
عرفات را نکند نه اختیاری و نه اضطراری و این محل اشکال و خلافست و اقوی صحت حج است
ششم انست که ادراک نماید اختیاری عرفات را و ادراک مشعر الحرام را نکند نه اختیاری
و نه اضطراری را و در این نیز خلاف و اشکالست ... لیکن اختیار ... این

صورت

صورت انست که در سال بعد اعاده حج نماید هفتم انست که ادراک نکند مگر اضطراری
مشعر را و در این صورت انست که جمعی قایل بصحت حج شده اند لیکن اقوی عدم صحت است
و باید در سال اینده اتیان بحج نماید هشتم انست که ادراک ننماید مگر اضطراری عرفات را
و ظاهر عدم صحت حج است بی اشکال و در هر صورت که حج باطل شود ساقط میشود از ان مکلف
بقیه افعال حج از هدی و رمی جمرات و بیتوته نمودن بمنی و حلق و تقصیر و جایز است که در
همان وقت برود بمکه و افعال عمره را بعمل بیاورد و محل شود و لیکن سنت است که بماند
در منی تا انکه منقضی شود ایام تشریق پس بعد از ان محل شود بعمره مفرده و احوط نیت نمودن
عمره مفرده است نه انکه اکتفا نماید بمجرد اتیان بافعال عمره چنانچه بعضی قایل شده اند
و واجبست بر او حج در سال اینده اگر واجب باشد در ذمه او و اگر واجب نباشد
سنت است حج نماید در سال اینده مطلب چهارم در رفتن بمنی از مشعر الحرام و بیان افعال واجبه
در ان بدانکه واجبست نزول بمنی در روز دهم که روز عیدست و واجبست در ان سه چیز
اول رمی جمره دوم ذبح یا نحر سیم حلق یا تقصیر بهمین ترتیب که مذکور شد و در این تفصیلست
تفصیلست وصف اول در رمی جمره است و مراد بجمره در این مقام اقرب جمرات
بمکه معظمه است و مسماه است بجمره عقبه و واجبست در ان ده چیز اول نیت است بانکه
نحوه نیت کند رمی این جمره که هفت سنگ است در حجه الاسلام حج تمتع مثلا میکنم بهفت سنگ
واجب قربة الی الله دوم انکه عدد سنگ ریزه هفت عدد بوده باشد سیم انکه
بنحوی بجای بیاورد که صدق کند بران رمی پس هر گاه سنگ را بر جمره بگذارد مجزی نخواهد بود

چهارم آنکه شخص خود مستقل باشد در رمی سنگها بر جمره پس هرگاه بسبب عذری نتواند بکند
مجزی نیست چنانچه هرگاه رمی نمود و لکن رمی آن نرسید به جمره و بحرکت غیر آن رسید مجزی نیست
پنجم آنکه سنگ ریزه را از حرم برچیده باشد پس هرگاه از غیر حرم باشد یا مسجد حیف بلکه
از مسجد دیگر نباشد ششم آنکه سنگها بکر بوده باشد که پیشتر کسی بران استعمال
نکرده باشد هفتم آنکه انداختن هفت سنگ بطریق تعاقب باشد نه اجتماع و دفعه
واحده مثلا با هم یکیک بزند پس هرگاه باجتماع تمام را بزند مجزی نیست لیکن بعضی گفته‌اند
که در این صورت یک مجزی است و این مشکل است هشتم آنکه وقت رمی بعد از طلوع
آفتاب باشد از روز عید قربان تا غروب آفتاب که هر وقت از این ملاحظه باشد مجزی است
نهم آنکه نیت را مقارن رمی بکند و باید که بدارد از آنجا بفراغ از آن در دست
در این رمی دوازده چیز اول آنکه در حال رمی با طهارت بوده باشد و قول بوجوب
آن ضعیف است دوم آنکه در حال رمی نمودن دور باشد از جمره بقدر ده ذرع تا پانزده
ذرع سیم آنکه این سنگها را از مشعر الحرام برچیده باشد که هفت عدد از آن در روز عید
رمی جمره کند و بیست و یک عدد در روز یازدهم رمی جمرات ثلث بکند و بیست و یک
در روز دوازدهم و بیست و یک در روز سیزدهم چنانچه بعد بیان خواهد شد چهارم
آنکه در وقت رمی که هفت سنگ بدست او باشد و خواهد زند این دعا را بخواند اللهم
هؤلاء حصیاتی فاحصهن لی وارفعهن فی عملی پنجم آنکه در وقت انداختن
هر یک از آن سنگها الله اکبر بگوید و این دعا بخواند اللهم ادحر عنی الشیطان اللهم

لعرفه

تصدیقا بکتابک و علی سنة نبیک صلی الله علیه و آله اللهم اجعله حجا مبرورا
و عملا مقبولا و سعیا مشکورا و ذنبا مغفورا ششم آنکه در وقت رمی جمره عقبه
رو بجانب جمره کند و پشت بقبله هفتم آنکه سنگهای طاهر باشد و بعضی از علمای
طهارت را لازم دانسته‌اند پس احتیاط در مراعات آن است هشتم آنکه وقت رمی
هر چند ممتد است از طلوع آفتاب تا بغروب آن لکن اولی آنست که بعد از طلوع
آفتاب بساعتی نماید در رمی نهم آنکه هر یک از این سنگها بقدر بالای انگشت
بوده باشد دهم آنکه سنگها رخوه بوده باشد یا همچو صلابت نداشته باشد
یازدهم آنکه سنگهای ریزه‌های را برچیده باشد نه آنکه سنگ را بشکند و سنگ ریزه
آن رمی کند دوازدهم آنکه در حین رمی سنگها را بدست چپ بگیرد و یک یک را از
دست راست برداشته و بگذارد بر شکم انگشت ابهام دست راست و بلند
از آن باعانت ناخن سبابه و جمعی از فقها رمی را با این نحو واجب دانسته‌اند
و احوط مراعات آنست سیزدهم آنکه سنگ ریزه را بشویند چهاردهم آنکه رنگ
هر یک از سنگ ریزه‌ها مخالف رنگ دیگر باشد پانزدهم آنکه سنگ ریزه‌های
خالدار باشد و با نقطه نقطه باشد شانزدهم آنکه در وقت انداختن پیاده باشد
و مکروه است که سنگهای سیاه باشد یا سفید یا سرخ و هم چنین مکروه است صلب
باشد و شکسته شده باشد فصل دوم ذبح و حکم آنست بدانکه ذبح دوم
از سه چیز که واجب است روز عید قربان و درمنی که ادا دون آن واجب است در این

سنت مطلب است **مطلب اول** بدانکه واجبست در روز دهم که روز عید است بعد از
رمی جمره عقبه ذبح یا نحر و واجبست دران ده چیز **اول** انکه قربانی گوسفند باشد یا بز
باشد یا گاو یا شتر و اگر غیر اینها باشد مثل اسب یا اهو قربانی کند قربانی ان صحیح نیست
لیکن هرگاه گوسفند یا گاو یا بز باشد باید ذبح کند و هرگاه شتر باشد لازم است نحر نماید
دوم انکه قربانی اگر گوسفند باشد یا بز یا گاو یکسال تمام کرده باشد و در سال دوم
داخل شده باشد و اگر شتر باشد پنج سال تمام کرده باشد و در سال ششم داخل شده
باشد و بعضی در بز و گاو معتبر دانسته اند اتمام دو سال و دخول در سال سیم را و این احوط است
چنانچه در گوسفند بعضی کافی دانسته اند که هفت ماه را تمام کرده باشد و احوط بلکه
اظهر اولست نظر بشهرت و تفسیر جذع بان در میان علمای لغت و غیر ان **سیم** انکه
شرط است در قربانی انکه اعضای ان تمام باشد پس مجزی نیست کور یک چشم یا دو چشم
چه انکه چشم ان باطل شده باشد و خوشکیده باشد یا نه و نه لنگ بنحوی که نتواند
با گوسفندان راه برود و با ایشان بچرد و بالجمله لنگی ان ظاهر باشد و نه بیماری باشد
که بیماری ان ظاهر باشد و نه پیری که بسیار پیر باشد بنحوی که مغز سر از برای ان نمانده
باشد یا دندانهای ان افتاده باشد و شاخ شکسته نباشد اما هرگاه روی شاخ
شکسته باشد و شاخ سفید زیر ان باشد مجزیست چنانچه هرگاه از اصل شاخ نداشته
باشد بجهت خلقت اصلی عیب ندارد و نه گوش بریده مگر انکه شق نموده باشند
گوش او را یا سوراخ نموده باشند و از ان نیفتاده باشد چیزی و هرگاه گوش ان شکافته

باشد

باشد بجهت خلقت بعضی منع کرده اند بعدم اجزاء ان و ان احوطست و همچنین مجزی نیست
تخم کشیده مگر در حال ضرورت و اما هرگاه تخم انرا پیچیده باشند یا کوبیده باشند اما
بر طرف نشده باشد مجزی است و لیکن مکروه است و مجزی نیست هرگاه دنبه انرا
بریده باشند و اندکی باشند **چهارم** انکه شرط است که لاغر نباشد و علامت لاغری
که نتوان گفت است که در قلوه ان پیه نباشد لیکن هرگاه بخرد حیوان را باعتقاد انکه
چاق است و بعد از کشتن لاغری ان معلوم شود مجزی است بلکه ظاهر جماعتی و فتوای
اصحاب کفایت است هرچند پیش از کشتن ظاهر شود لاغری ان لیکن احوط اجتناب است از ان
پنجم انکه تمام ان از یک شخص باشد پس جایز نیست که شخص دیگر در قربانی شریک باشد
ششم انکه وقت کشتن قربانی چنین نیت کند که این قربانی را میکشم در حج اسلام
حج تمتع از جهت انکه واجبست قربة الی الله **هفتم** انکه نیت را متصل بذبح و نحر کند و باقی
بدارد تا باخر ذبح یا نحر **هشتم** انکه خود مباشر کشتن قربانی شود یا شخصی را نایب خود
سازد و نایب چنین نیت کند که این قربانی را میکشم بنیابت فلان کس در حج اسلام حج
تمتع بجهت وجوب ان قربة الی الله و اولی انست که هر دو نیت کنند **نهم** انکه قربانی در روز عید
باشد و اگر ممکن نشود در بقیه ایام ذی الحجه جایز است **دهم** انکه بعضی از علما مثل شیخ بهائی اعلی الله مقامه
واجب دانسته اند که بعضی از ان را تصدق کند و بعضی را خود بخورد و بعضی را هدیه کند و ان احوط است
و جایز نیست دادن چیزی از قربانی را بقصاب در وجه ذبح یا نحر مگر انکه قصاب از اصناف باشد یا از فقرا
زیرا که در صدد گرفتن هستند و سوال نمیکنند یا از کسانیکه هر چه بانها بدهند قبول کنند

مطلب دوم در آداب کشتن شتر بدانکه سنت است که قربانی اگر گوسفند
یا بز باشد نر باشد و اگر شتر یا گاو باشد ماده باشد و سنت است که حیوان چاق باشد
و نظر کند در سیاهی و راه رود در سیاهی و بخورد در سیاهی و بخوابد در سیاهی
و سیاهی مذکور تفسیر شده است از بعضی با آنکه مواضع مذکور سیاه باشد و از بعضی دیگر
با آنکه در سبزه زار بسر برده باشد و از بعضی دیگر با آنکه بزرگ باشد و بسیار چاق باشد و برای
هر یک سنت است و جمع را جمع نمودن اکمل و احسن است و سنت است نیز که از چرانیدنی
باشد که در عرفات برده باشند از او بهتر است که در عشیه عرفه برده باشند
و کفایت میکند در آن خبر دادن فروشنده و نیز سنت است که نحر نماید شتر را در حالتیکه
ایستاده باشد و بسته شود میان سر دست تا زانوی آن و طعنه زده شود از جانب
راست با آنکه بایستد نحر کننده در طرف راست شتر و بسته باشد دست چپ شتر را
و ایستاده باشد بر جانب دست راست و بخواند این دعا را بسم الله والله اکبر
اللهم هذا منک ولک اللهم تقبل منی و نیز سنت است که در وقت نحر یا ذبح
بگوید وجهت وجهی للذی فطر السموات والارض حنیفا مسلما وما انا من المشرکین
ان صلاتی ونسکی ومحیای ومماتی لله رب العالمین لا شریک له وبذلک امرت
وانا من المسلمین اللهم منک ولک بسم الله والله اکبر اللهم تقبل منی و ذکر
خصوص شتر است چنانچه ذبح مخصوص گاو و گوسفند است و سنت است که خود متوجه
ذبح و نحر شود اگر تواند و واجب نیست مباشرت و اگر نتواند خود متوجه شود با آنکه دست

بگذارد

بگذارد دست خود را بر دست نایب و احوط است که هر دو نیت کنند هر چند ظاهر
کفایت نیت قصاب است مطلب سیم در حلق و تقصیر است بدانکه واجب است در روز عید
بعد از قربانی از موی خود چیزی ازاله کند خواه بتراشیدن باشد خواه بغیر آن و زنرا
تراشیدن سر جایز نیست بلکه متعین است از برای آن تقصیر و در ازاله موی که
سه امر واجب و هفت امر سنت اما سه امر واجب اول نیت باین طریق که از
موی بدن چیزی ازاله میکنم در حج اسلام حج تمتع از جهت آنکه واجب است قربة الی الله
و اگر تقصیر نماید بجای سر تراشیدن تقصیر را نیت کند لیکن احوط آن است که اگر اول
حاجی بوده باشد یا نذر نموده باشد یا موی سر را بهم بسته باشد بجهت دفع شپش یا چرک مثل آنکه صمغ
بر او چسبانیده باشد اختیار سر تراشیدن نماید و عدول از آن بتقصیر ننماید و کفایت
میکند در تقصیر مسمی لیکن احوط آنست که لا اقل بقدر سر انگشت موی از خود جدا کند
و بعضی بقدر قبضه را معین دانسته اند و مراعات آن احوط است دوم مقارن نمودن نیت
با ازاله کردن موی سیم بجا آوردن نیت را تا آخر عمل و اما آن هفت امر که سنت است
اول آنکه در وقت ازاله کردن موی رو بقبله باشد دوم آنکه در آن وقت بگوید
بسم الله الرحمن الرحیم اللهم اعطنی بکل شعرة نورا یوم القیمة سیم آنکه
در تراشیدن سر شروع کند بجانب راست چهارم آنکه کل سر را بتراشد پنجم آنکه اگر
سر موی نداشته باشد تیغ را بر سر بگذارند ششم آنکه موی را در منی دفن کند و بعضی
واجب دانسته اند از او چیبا احوط آنست که ترک نکند هفتم آنکه بعد از سر تراشیدن

ناخنهای را بگیرد دوم چنین است رتب بچیند و بعد از فارغ شدن از افعال ثلثه مذکوره
منی حلال میشود بر او انچه باحرام حرام شده بود مگر زن و بوی خوش لیکن اولی است
که لبس مخیط و ستر راس ننماید مگر انکه فارغ از طواف حج و سعی بین الصفا والمروه شود
مطلب چهارم در بقیه افعال حج بدانکه در روز عید قربان از مناسک و عبادات منی ۴۴
که فارغ شد واجب است مراجعت نماید بمکه معظمه جهت بجا آوردن پنج امر که ان طواف
حج است و دو رکعت نماز طواف و سعی ما بین صفا و مروه و طواف نساء و دو رکعت
نماز ان و چون سه امر اول را بجای آورد بوی خوش بران حلال میشود و هرگاه طواف
نساء و دو رکعت ان را بکند زن نیز بران حلال میشود و اولی است که تعجیل نماید در عود
در همان روز و اگر تاخیر نماید تا فردای ان روز جایز است لیکن احوط است که از روز
یازدهم تاخیر نکند پس بعد از عود بمکه بعد از انکه بدر مسجد الحرام رسید سنت است که بدر
مسجد بایستد و این دعا را بخواند اللّهمّ اعنّی علی نسکک وسلّمنی له وسلّمه لی
اسئلک مسئلة العلیل الذلیل المعترف بذنبه ان تغفر لی ذنوبی وان
ترجعنی بحاجتی اللّهمّ انّی عبدک والبلد بلدک والبیت بیتک جئت اطلب
رحمتک واؤمّ طاعتک متّبعاً لامرک راضیاً بقدرک اسئلک مسئلة المضطرّ
الیک المطیع لامرک المشفق من عذابک الخائف لعقوبتک ان تبلّغنی عفوک
وتجیرنی من النّار برحمتک بعد از ان بیاید نزد حجر الاسود و ببوسد حجر الاسود را
اگر ممکن شود و مقابل حجر الاسود بایستد و تکبیر بگوید بعد از ان برود بجانب صفا و مروه و سعی

بین

بین الصفا والمروه را بعد از نیت بعمل بیاورد بهمان کیفیتی که در عمره تمتع ذکر شد و انچه در
طواف عمره و سعی ان مذکور شد از امور واجبه و مستحبه در این دو طواف و سعی
معتبر است و فرقی ندارند مگر در نیت پس در طواف حج نیت کند که طواف حج
اسلام حج تمتع میکنم از برای انکه واجب است قربة الی الله و در طواف نساء نیت کند
که طواف نساء میکنم در حج اسلام حج تمتع چونکه واجب است قربة الی الله بعد از تمام نمودن
هفت شوط سعی عطر نیز بران شخص حلال میشود و بعد طواف نساء را میباید بعد از ان
شروع نماید بطواف نساء و میرود بمقام حضرت ابراهیم علیه السلام و نیت دو رکعت نماز طواف
نساء میکند انوقت دو رکعت نماز را بعمل آورد و این مطلب مسلم است که زنان نیز بران حلال
میشود پس در انوقت جمیع محرمات در حال احرام بر ان شخص حلال میشود و اما حرمت صید
نه باعتبار حرمت ان است بسبب احرام بلکه باعتبار بودن در حرم است و چون از این
پنج امر فارغ گردد واجب است که بمنی مراجعت نماید بجهة چهار امر که واجب است که بیتوته در منی
بشود در شب و رمی جمرات ثلث اما بیتوته در منی پس واجب است در شبهای ایام
تشریق را که یازدهم و دوازدهم و سیزدهم ذی الحجه باشد پس در شب یازدهم نیت بکند
که امشب را در این مکان شریف که منی است میمانم بجهة وجوب بیتوته در ان در
حج تمتع قربة الی الله پس شب را در ان بماند تا صبح و بعد از ادای فریضه فجر واجب است در ان
روز رمی جمرات ثلث نماید اول لازم است شروع نماید برمی جمره اولی که اقرب جمرات است
بمشعر و ابعد انها است بلکه واجب است که رمی نماید بهفت عدد سنگ ریزه و کیفیت رمی بهمان

نحو است که در رمی روز نحر مذکور شد مکرر و استقبال که در اینجا مستحب است روی بقبله بود
رمی جمره نماید بعد از فراغ از رمی جمره اولی رمی جمره وسطی را نماید بهمین نحو که مذکور شد
بعد از فراغ از رمی این دو جمره رمی جمره عقبه که اقرب جمرات است بمکه معظمه نماید بهفت
عدد سنگ ریزه و وقت این رمی از طلوع آفتاب است تا غروب آن لیکن اولی آنست که
از زوال تاخیر نکند و در شب دوازدهم نیز بیتوته ماندن در منی نماید بهمان نحو مذکور
این بیتوته را قبل از غروب قریب بغروب نماید و روز دوازدهم نیز بنحوی که مذکور شد
رمی جمرات ثلث نماید لیکن واجب بودن بمنی در شب یازدهم و دوازدهم مطلقا از
برای هر حاجی و شب سیزدهم واجب ماندن در منی از برای کسیکه پرهیز نکرده باشد
در احرام حج بلکه در احرام عمره نیز بنابر احوط از مقاربت نسا یا از صید یا روز دوازدهم
غروب نموده باشد و او در منی بوده باشد بلکه احوط آنست که از منی بیرون نرود شب
سیزدهم را کسیکه از او صادر شده باشد امری که موجب کفاره باشد مطلقا هر چند غیر
آنچه ذکر شد باشد مطلقا چه کفاره داشته باشد چه نداشته باشد بیرون نرود از منی آنرا
بلکه از جمع است که اگر کسی نو حاجی باشد نیز بیرون نرود آن شب را و با همه اینها افضل آنست
از برای کسیکه ممکن شب را ماندن و واجب نیست در ماندن شب در منی جمیع آن شب بلکه
و معتبر است در آن قصد قربت که ماندن باشد و تعیین حج و قربت و صورت نشان اینست
میمانم این شب را در منی از برای حج تمتع حجة الاسلام با جبران قربة الی الله و احوط علاوه
نمودن وجوبست و معتبر است در آن استمرار آنست و وقت نیت مقارن اول آنست

واگر

واگر بماند یکشب را در مکه واجب بر او کشتن گوسفندی واگر دو شب بماند کشتن دو گوسفند
واجب واگر سه شب بماند واجب باشد بر او در منی بودن در سه شب سه گوسفند باید
بکشد واگر از مکه بیرون آمد و رسید بمنی احوط کشتن گوسفند است نیز خصوصا هرگاه
از عقبه مدینیین گذشته باشد واگر بیتوته نکرد و ماند در منی احوط نیز کشتن گوسفند است
هر چند اظهر عدم لزوم است و فرق نیست در وجوب کشتن گوسفند میان جاهل و
ناسی و عالم بلکه احوط ثبوت حکم است از برای مضطر نیز هر چند اظهر عدم وجوبست لیکن
اشکالی نیست در عدم وجوب ماندن در صورت اضطرار مثل آنکه شخص بیمار باشد
یا آنکه ماندن ضرر داشته باشد از برای آن یا خوف بر مال یا عرض یا جان داشته
باشد و از آنجمله است شبانان و سقاکه واجب نیست بر ایشان بیتوته در منی در صورت
تضرر شبان واگر شبان در منی باشد و غروب کند آفتاب واجب بر او ماندن
بخلاف سقا و در جمیع صور گذشته بعد از نصف شب بیرون آمدن از منی جایز است
هر چند احوط عدم دخول مکه است پیش از صبح و همچنین جایز است ترک ماندن در منی
در شب نماید و در مکه بماند و مشغول مناسک و طواف و سعی باشد تمام شب را اگر بقدر
ضرورت از خوردن و آشامیدن بلکه هرگاه مشغول مطلق عبادت شود نیز جایز است
ولیکن احوط ترک آن و اختیار بیتوته است در منی و واجب است در هر روز از این روز ها
از سه جمره را بهفت سنگ ریزه زدن لیکن واجب اول شروع نماید برمی جمره اولی که اقرب
جمرات است بمشعر و ابتدا نماید بمکه و واجب است که رمی نماید بهفت عدد سنگ ریزه و کیفیت رمی بهمان

نخواهد بود که در منی روز نهم گذشت مگر در استقبال که در اینجا مستحب است روی بقبله ایستاده رمی جمره
نماید بعد از فراغ از رمی جمره اولی جمره وسطی را بهمین نحو که مذکور شد و بعد از فراغ
از هر دو رمی جمره که اقرب جمرات است بمکه معظمه نماید بهمین عدد سنگ ریزه و وقت
این رمی از طلوع آفتاب است تا غروب و بعضی از علما افضل است و احوط آنست که بعد از زوال
جمره که بعضی تعیین دانسته اند از اداء جایز نیست رمی در شب مگر بعلت ضرورت مثل
خائف و شبان و عبید و نحو ایشان و هرگاه ترک نمود رمی را عمدا یا سهوا یا جهلا
بعض از آنرا یا تمام آنرا تا آنکه رفت بمکه واجبست رجوع نماید بمنی و تدارک نماید آنچه را
که ترک نموده است اگر ایام تشریق باقی باشد و اگر نه در سال آینده اگر بحج رود تدارک
نماید و اگر بحج نرود احوط آنست که وکیل کند هرگاه باشد او را العیاذ او در نیابت او و اگر
نه دیگری را نایب نماید که قضا نماید و آنچه گذشت که سنت است در رمی در اینجا نیز سنت است
بی تفاوت مگر در دو چیز **اول** آنکه هر یک از جمره اولی و جمره وسطی را در وقت رمی بر دست
راست گیرد **دوم** آنکه بعد از رمی هر یک از این دو جمره اندکی نزد آن بایستد و بحمد
و صلوات و دعا مشغول شود اما بعد از رمی جمره عقبه ایستادن نزد آن سنت نیست و بعد از
این رمی آخر اعمال حج است و سنت است تکبیر گفتن در منی بعد از پانزده نماز که اول آن
نماز ظهر روز عید است و آخر آن نماز صبح روز سیزدهم و احوط عدم ترک است و در سایر
شهرها سنت است عقب ده نماز بگوید که ابتدا نماز ظهر روز دهم است و آخر آنها نماز صبح
روز دوازدهم است و صورت آن اینست الله اکبر الله اکبر لا اله الا الله والله اکبر الله اکبر ولله الحمد

الحمد

الحمد لله الله اکبر علی ما هدانا الله اکبر علی ما رزقنا من بهیمة الانعام و سنت است
مادام که در منی است مشغول عبادت باشد مثل تلاوت و توبه و انابه با کمال تضرع و ابتهال
نماید و بسیار نماز در مسجد خیف که در منی است بکند در حدیث صحیح است که هزار پیغمبر در آن
مسجد نماز کرده اند و وارد شده است که هر کس در آن مسجد یکصد رکعت نماز کند
معادل هفتاد سال عبادت است و هر کس که در آن یکصد تسبیح بگوید مثل سبحان الله در
نامه عمل او ثبت میشود ثواب عتق یک رقبه و هر کس که در آن لا اله الا الله بگوید صد مرتبه
معادل است که بنده را از قید نجات بدهد و هرگاه صد مرتبه الحمد لله بگوید معادل است
که خراج عراقین را در راه خدا انفاق نموده باشد و هرگاه مستحب از افعال حج در منی
فارغ شد جایز است که از آن بوطن خود برود چه آنکه بمکه معظمه معاودت کند لکن سنت است
که عود نماید بمکه از برای وداع خانه کعبه و سنت است که اگر در سیزدهم کوچ نمود نزول نماید
در ابطح و قدری در آنجا توقف نماید از غیر آنکه بخوابد در آنجا و بعد داخل مکه شود و سنت است
داخل شدن خانه مکه معظمه خصوصا از برای نو حاجی و سنت است اول غسل کند از برای دخول
در خانه کعبه بعد از آن حلقه در را در وقت دخول بگیرد و سنت است در حال دخول با خضوع
خشوع باشد چنانچه سنت است در حال داخل شدن خانه بدون نعلین و کفش باشد
و سنت است بعد از دخول بگوید اللهم انک قلت و من دخله کان آمنا فامنی
من عذاب النار پس دو رکعت نماز کند میان دو ستون بر سنگ سرخ در رکعت اولی
بعد از حمد بخواند حم سجده و سجده نماید بعد از آیه سجده برخیزد و اگر فراموش نمود سجده را

هر وقت که بخواهد سر از سجده بردارد و چون نماز تمام کند سوره را بخواند و در رکعت دوم بعدد آیات حم سجده از قرآن بخواند و نماز کند در چهار زاویه خانه کعبه و بگوید اللهم من تهیأ او تعبأ

او اعد او استعد لوفادة الی مخلوق رجاء رفده وجائزته ونوافله

وفواضله فالیک یا سیدی تهیئتی وتعبئتی واعدادی واستعدادی رجاء

رفدك ونوافلك وجائزتك فلا تخیب الیوم رجائی یا من لا یخیب علیه

سائل ولا ینقصه نائل فانی لم آتك الیوم بعمل صالح قدمته ولا شفاعة

مخلوق رجوته ولکنی اتیتك مقرا بالظلم والاساءة علی نفسی فانه لا حجة لی

ولا عذر واسألك یا من هو کذلك ان تعطینی مسألتی وتقیلنی عثرتی

وتقلبنی برغبتی ولا تردنی مجبوها ممنوعا ولا خائبا یا عظیم یا عظیم یا عظیم

ارجوك للعظیم اسألك یا عظیم ان تغفر لی الذنب العظیم لا اله الا انت

سنت است در اندرون خانه در نزد باب بعد از بیرون آمدن از خانه کعبه

حلقه در خانه را بگیرد و بگوید الله اکبر الله اکبر الله اکبر اللهم لا تجهد بلاءنا

ولا تشمت بنا اعداءنا فانك انت الضار النافع و چون از خانه بیرون آید دو رکعت

نماز کند و در نزد یکی کعبه بگذارد در خانه در جانب دست چپ او باشد خاتمه

مشتمل است بر چند فصل فصل اول در بیان کیفیت وداع از خانه کعبه بدانکه چون خواهد

از مکه معظمه بیرون آید هفت شوط طواف وداع بکند و چنین سنت است که طواف

خانه کعبه بکند از جهت آنکه سنت است و در این حالت استلام ارکان در هر شوط با تکبیر

دست

دست مالیدن را بر سنت بهر رکنی از ارکان خصوصا رکن یمانی و رکنیکه در آن حجر الاسود است

و اگر نتواند در هر شوط در شوط اول و آخر بکند و اگر هیچ نتواند باکی نیست و بعد از فارغ

شدن از طواف نزد مستجار آید و در آنجا که یاد کرد از ادعای استحباب که در طواف عمره

ذکور است بخواند پس بیاید نزد حجر الاسود و شکم خود را بآن برساند و یک دست را

بر حجر گذارد و دست دیگر را بجانب در خانه بکشد بعد و حمد و ثنای الهی بجا آورد و صلوات

بر محمد و آل محمد بفرستد پس بگوید الحمد لله وصلی الله علی سیدنا ونبینا

محمد وآله اللهم صل علی محمد عبدك ورسولك وامینك وحبیبك

ونجیبك وخیرتك من خلقك اللهم کما بلغ رسالاتك وجاهد فی

سبیلك وصدع بامرك واوذی فیك وفی جنبك حتی اتاه الیقین اللهم

اقلبنی مفلحا منجحا مستجابا لی بافضل ما یرجع به احد من وفدك من

المغفرة والبرکة والرحمة والرضوان والعافیة مما یسعنی ان اطلب ان

تعطینی مثل الذی اعطیته افضل من عبدك وتزیدنی علیه اللهم ان

امتنی فاغفر لی وان احییتنی فارزقنیه من قابل اللهم لا تجعله آخر العهد

من زیارة بیتك اللهم انی عبدك وابن عبدك وابن امتك حملتنی

علی دابتك وسیرتنی فی بلادك حتی ادخلتنی حرمك وامنك وقد

کان فی حسن ظنی بك ان تغفر لی ذنوبی فان کنت قد غفرت لی ذنوبی

فازدد عنی رضا وقربنی الیك زلفی ولا تباعدنی وان کنت لم تغفر لی

اَلّذی وَاغفِر لی قَبلَ اَن یَنأی عَن بَیتِکَ داری فَهذا اَوانُ انصِرافی اِن اَذِنتَ
لی غَیرَ راغِبٍ عَنکَ وَلا عَن بَیتِکَ وَلا مُستَبدِلٍ بِکَ وَلا بِهِ اَللّهُمَّ
اِحفَظنی مِن بَینِ یَدَیَّ وَمِن خَلفی وَعَن یَمینی وَعَن شِمالی حَتّی تُبَلِّغَنی اَهلی
فَاِذا بَلَّغتَنی اَهلی فَاکفِنی مَؤونَةَ عِبادِکَ وَعِیالی فَاِنَّکَ وَلِیُّ ذلِکَ مِن خَلقِکَ وَمِنّی و
بعد تکبیر دو گوید اَلمِسکینُ عَلی بابِکَ فَتَصَدَّق عَلَیهِ بِالجَنَّةِ [illegible]
آید و از آب زمزم بخورد پس بیرون آید و بگوید آئِبونَ تائِبونَ
عابِدونَ لِرَبِّنا حامِدونَ اِلی رَبِّنا راغِبونَ اِلی رَبِّنا راجِعونَ و سجده
کند و سجده طول بدهد و با کمال خضوع و خشوع از باب الحناطین که [illegible]
[illegible] بیرون رود و از چپ بیرون رود و در حالتی که بر در مسجد الحرام
[illegible] و بگوید اَللّهُمَّ اِنّی اَنقَلِبُ عَلی اَن لا اِلهَ اِلّا اَنتَ [illegible] وقت
بیرون آمدن از مکه بگیرد یک درهم شرعی خرما بخرد و تصدق کند تا کفاره چیزی باشد
که [illegible] از وی [illegible] باشد مثل آنکه [illegible]
باشد [illegible] یا [illegible] کرده [illegible]
و [illegible] طلب کند که هر بار دیگر [illegible] بیت الله الحرام [illegible]
و [illegible] بیت [illegible] طواف کردن در ایام حج [illegible]
[illegible] پس اگر نتواند سجده [illegible] کند فصل دوم در بیان پاره از [illegible]
که [illegible] اول [illegible]

نود

[illegible] جناب رسول صلی الله علیه و آله [illegible] که این خانه [illegible]
جناب [illegible] و آن جناب [illegible] عقیل ابن ابی طالب [illegible]
عقیل بود و بعد از فوت او [illegible] فروخته [illegible] خانه را
محمد بن یوسف که برادر حجاج بن یوسف بود [illegible] محمد [illegible]
و چنین بود تا دولت بنی امیه منقرض شد بعد از آن [illegible]
[illegible] از قصر بیرون [illegible] مسجد [illegible]
مبارک [illegible] در مسجد [illegible] مسجد [illegible]
[illegible] این مسجد [illegible] مجری از چوب [illegible]
[illegible] بوده [illegible] موضع
[illegible] موضع [illegible]
[illegible] در وقت [illegible] مشهور [illegible]
[illegible] ربیع الاول [illegible]
[illegible] دوم [illegible]
حضرت [illegible] بازار [illegible]
[illegible] موضع عبادت [illegible] موضع [illegible]
[illegible] حضرت قاضی الحاجات [illegible]
موضع دیگر [illegible] موضع [illegible]

که ولادت با سعادت آن دو قدوه ارباب سعادت در مدینه منوره بوده اما ولادت حضرت
امام حسن ع در سال دوم از هجرت بوده چنانچه کلینی ره ذکر فرموده با آنکه سال سیم
اشهر است چنانچه شیخ مفید ذکر فرموده و بودن آنکه صحیح این بوده مقتل علامه
تاریخ ایشان المعصومین و تاریخ تولد امام حسن ع اما ولادت حضرت امام حسین ع
در سال سیم هجرت بوده بنابر اول و سال چهارم بنابر ثانی به این نحو تولد شریف جناب
سیده النساء علیها السلام ... بوده چه تولد المعصومین در سال پنجم از بعث فجر
بوده در مکه معظمه و موضع دیگر است که گویند موضع عبادت جناب حضرت امیر المؤمنین
است محل اشراف آن مکان آنکه حدیث و در همان مکان در فوق آن مسجدی ساخته اند
در آن مسجد مشرف شدن و نماز تحیت گذاردن مناسب است **سیم** مشرف شدن زیارت
قبر ابوطالب عم جناب رسول خدا ص و والد جناب امیر المؤمنین ع است و آن در معبره
واقع است که چند قبر در آن است و جناب ... فاتحه خواندن در سر قبر آن جناب
مناسب است و از چند ... ظاهر می‌شود که آن جناب ... کتاب رسول خدا ص
کرده با اخلاص حتی آنکه وارد شده ... ابوطالب مثل اصحاب کهف است که در باطن
ایمان آورده بودند و اظهار شرک می‌نمودند **چهارم** زیارت قبر خدیجه زوجه جناب
رسول خدا ص و مادر فاطمه زهرا ع است و قبر آن حضرت ... وارد البقیع
و قبر در حجره است در همان بقعه در همان سمت و قبر جناب ابوطالب در آن سمت واقع است
لکن قدری دور تر است از آنکه ... جناب رسول خدا ص ... احترام او ... **پنجم**

مشرف

مشرف شدن بغار ... که در جبل حرا واقع است و آن موضعی است که جناب رسول خدا ص اوائل
نزول وحی در آنجا مشغول عبادت بودند و مناسب است که در آن مکان مشغول نماز و قاضی
الحاجات شوند **ششم** مشرف شدن بغار ثور که در جبل ثور واقع است و آن غاری است که
جناب رسول خدا ص در آنجا مخفی شدند از خوف مشرکین **هفتم** مشرف شدن بمسجد ...
... که در آن مسجد واقع است مشهور است بدار خیزران **هشتم** ختم نمودن قرآن است
در مکه معظمه که وارد است که کسیکه ختم قرآن در مکه نماید نمیرد تا آنکه ببیند جناب
رسول خدا ص را و ببیند منزل خود را در بهشت پس مناسب است که بنشیند نزدیک خانه
کعبه یا بین رکن یمانی و حجر الاسود زیرا که در حدیث وارد است که هفتاد پیغمبر در آنجا مدفون
شده و در آنجا مشغول تلاوت باشد یا بین حجر الاسود و مقام حضرت ابراهیم ع تا بادوی حجر
حضرت اسمعیل ... هر یک از این مواضع زیرا که ... جناب ... **دهم**
ذکر و عبادت در آن مکان شریف ثواب بسیار دارد از جناب علی بن الحسین ع روایت
شده است که یک تسبیح در مکه افضل است از خراج عراقین که انفاق شود در راه خدا
باری عز شانه **فصل سیم** در بیان آداب مدینه منوره است و در آن چند مطلب است
مطلب اول بدانکه سنت است در حج خصوصا ... حج ... مشرف شدن بزیارت
روضه مطهره و آستانه منوره فخر عالم ... و سید ... از حضرت صادق ع
که جناب رسول خدا ص فرمودند که هر که بقصد حج بمکه مشرف شود و بزیارت من در مدینه
مشرف نشود من او را در روز قیامت جفا خواهم نمود و کسی که بزیارت من آید واجب می‌شود

بر من شفاعت او که کسی که واجب شد در حق او شفاعت من واجب شد برای او بهشت

و آداب آن که اول آنکه مشرف شوند و بعد به مدینه چنانچه در حدیث صحیح وارد است که

ابتدا کن به مکه و ختم کن به مدینه که آن افضل است و مستحبات دخول مدینه چند امر است **اول**

آنکه در وقت [illegible] مسجد غدیر خم پیاده شوند و داخل شوند و نماز در آن بکنند و دعا بسیار در آن

بکنند و این منصوص است که رسول صلعم [illegible] حضرت امیر المؤمنین علیه السلام فرموده

دوم آنکه چون به معرس رسد و آن مسجدیست نزدیک مسجد شجره در سمت قبله آن چنانچه

[illegible] پیاده شود و دو رکعت نماز در آنجا بکند هر گاه وقت فریضه نباشد

و اگر وقت یکی از آن دو نماز باشد از اعمال آورد و آنچه بخواهد در شب و چه در روز **سیم**

غسل کردن است جهت دخول [illegible] متصل به دخول باشد یا پس از آن و همچنین سنت است

دخول در مسجد نبی صلعم و زیارت [illegible] و اگر در حین غسل اول [illegible] بخواهد

بود **چهارم** [illegible] در مسجد جناب رسول خدا [illegible] از در حضرت جبرئیل [illegible]

[illegible] و از جناب امام رضا علیه السلام عرض کردند از کیفیت سلام

بر جناب رسول خدا صلعم نزد قبر مقدس آن حضرت فرمود که بگو اَلسَّلَامُ عَلَى رَسُولِ اللّٰهِ

اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا حَبِيبَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا صِفْوَةَ اللّٰهِ اَلسَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِينَ اللّٰهِ

أَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ نَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَهُ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ

فَجَزَاكَ اللّٰهُ أَفْضَلَ مَا جَزَى نَبِيًّا عَنْ أُمَّتِهِ اَللّٰهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِ مُحَمَّدٍ أَفْضَلَ مَا صَلَّيْتَ عَلَى

إِبْرَاهِيمَ وَآلِ إِبْرَاهِيمَ إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ **پنجم** آنکه رو به قبله بایستد و بگوید [illegible]

مقدس

مقدس جناب رسول خدا صلعم بایستد و بگوید [illegible] أَشْهَدُ

أَنْ لَا إِلٰهَ إِلَّا اللّٰهُ وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ وَرَسُولُهُ وَأَشْهَدُ

أَنَّكَ رَسُولُ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مُحَمَّدُ بْنُ عَبْدِ اللّٰهِ وَأَشْهَدُ أَنَّكَ قَدْ بَلَّغْتَ رِسَالَاتِ

رَبِّكَ وَنَصَحْتَ لِأُمَّتِكَ وَجَاهَدْتَ فِي سَبِيلِ اللّٰهِ وَعَبَدْتَ اللّٰهَ حَتَّى أَتَاكَ

الْيَقِينُ وَدَعَوْتَ إِلَى سَبِيلِ رَبِّكَ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَأَدَّيْتَ الَّذِي

عَلَيْكَ مِنَ الْحَقِّ وَأَنَّكَ قَدْ رَؤُفْتَ بِالْمُؤْمِنِينَ وَغَلُظْتَ عَلَى الْكَافِرِينَ فَبَلَّغَ اللّٰهُ

بِكَ أَفْضَلَ شَرَفِ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ اَلْحَمْدُ لِلّٰهِ الَّذِي اسْتَنْقَذَنَا بِكَ مِنَ الشِّرْكِ وَالضَّلَالِ

اَللّٰهُمَّ فَاجْعَلْ صَلَوَاتِكَ وَصَلَوَاتِ مَلَائِكَتِكَ الْمُقَرَّبِينَ وَعِبَادِكَ الصَّالِحِينَ وَأَنْبِيَائِكَ

الْمُرْسَلِينَ وَأَهْلِ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرَضِينَ وَمَنْ سَبَّحَ لَكَ يَا رَبَّ الْعَالَمِينَ مِنَ الْأَوَّلِينَ

وَالْآخِرِينَ عَلَى مُحَمَّدٍ عَبْدِكَ وَرَسُولِكَ وَنَبِيِّكَ وَأَمِينِكَ وَنَجِيِّكَ وَحَبِيبِكَ

وَخَاصَّتِكَ وَصَفْوَتِكَ وَخِيَرَتِكَ مِنْ خَلْقِكَ اَللّٰهُمَّ أَعْطِهِ الدَّرَجَةَ وَالْوَسِيلَةَ

فِي الْجَنَّةِ وَابْعَثْهُ مَقَامًا مَحْمُودًا يَغْبِطُهُ بِهِ الْأَوَّلُونَ وَالْآخِرُونَ اَللّٰهُمَّ إِنَّكَ قُلْتَ

وَقَوْلُكَ الْحَقُّ وَلَوْ أَنَّهُمْ إِذْ ظَلَمُوا أَنْفُسَهُمْ جَاؤُوكَ فَاسْتَغْفَرُوا اللّٰهَ وَاسْتَغْفَرَ لَهُمُ

الرَّسُولُ لَوَجَدُوا اللّٰهَ تَوَّابًا رَحِيمًا وَإِنِّي أَتَيْتُ نَبِيَّكَ مُسْتَغْفِرًا تَائِبًا مِنْ ذُنُوبِي

وَإِنِّي أَتَوَجَّهُ إِلَيْكَ بِنَبِيِّكَ نَبِيِّ الرَّحْمَةِ مُحَمَّدٍ يَا رَسُولَ اللّٰهِ إِنِّي أَتَوَجَّهُ بِكَ إِلَى اللّٰهِ

رَبِّي وَرَبِّكَ لِيَغْفِرَ لِي ذُنُوبِي بعد از آن دو رکعت نماز زیارت بکند و حوائج خود را از

[illegible] عالم بخواهد **ششم** آنکه بسیار نماز در آن مسجد بکند خصوصاً در روضه

از نا این خبر و قبر شریف ایشان در است در طول و اما در عرض بعضی تحدید نموده اند که از ستون
تا چهار ستون منزل الا از مسجد در حدیث صحیح است که چون از دعا نزد قبر شریف آنحضرت
فارغ شوی برو نزد منبر پس دست بر آن مال و دو رمانه بالای منبر را بگیر و چشمها و روی خود را
بر آن مال که باعث شفای چشم میشود و حمد و ثنای الهی را نزد منبر بجا آور و حاجات خود را
از درگاه باری حضرت خداوند عالم مسئلت نما **مطلب دوم** در زیارت سیدة النساء فاطمه علیها السلام بدانکه
فضیلت زیارت آن معصومه بسیار است در حدیث از حضرت فاطمه زهرا است که خبر داد مرا
پدرم که هر که سلام کند بر پدرم و بر من سه روز واجب میسازد خداوند عالم از برای او بهشت را
پس عرض شد که حضرت ایشان که این در حال حیات فرمودند یا در حال حیات و بعد از
فوت نیز درست است زیارت نمودن فاطمه زهرا را در خانه آنحضرت و در روضه
و در میان قبر و منبر و در بقیع بنا بر احوط و این اختلاف جهت اختلاف احادیث است در مدفن
آن معصومه و اول اشهر و اظهر است و الا اول صدوق و جمعی از محدثین و ظهور آثار
و جلال پدر بزرگوار دلیل قوی بر این مطلب است در زیارت آن معصومه بخوان آنچه در کافی مذکور است
همین است السلام علیک یا سیدة نساء العالمین السلام علیک یا والدة الحجج
علی الناس اجمعین السلام علیک ایتها المظلومة الممنوعة حقها السلام علیک
ایتها الصدیقة الطاهرة المطهرة السلام علیک یا بضعة النبی بعد از آن بگو
اللهم صل علی امتک وابنة نبیک وزوجة وصی نبیک صلاة تزلفها فوق زلفی عبادک
المکرمین من اهل السماوات والارضین پس جهد کن در گریه و سعی کن که در تمام حضرت جبرئیل

دگر

که بخوان دعا را ابتدا بگو یا جواد یا کریم یا قریب یا غیر بعید اسئلک ان
تصلی علی محمد واهل بیته وان ترد علی نعمتک **مطلب سوم** در بیان زیارت ائمه بقیع
است یعنی جناب حضرت امام حسن و امام زین العابدین و امام محمد باقر و امام جعفر صادق
علیهم السلام و مرحوم کلینی در کافی ذکر فرموده که بعد از آنکه داخل بقیع شدی و قبر ایشان را
بر سینه قبر را پیش روی خود قرار بده و بگو السلام علیکم ائمة الهدی السلام علیکم
اهل التقوی السلام علیکم الحجج علی اهل الدنیا السلام علیکم القوام فی البریة
بالقسط السلام علیکم اهل الصفوة السلام علیکم اهل النجوی اشهد انکم قد بلغتم
ونصحتم وصبرتم فی ذات الله وکذبتم واسیء الیکم فغفرتم واشهد انکم الائمة
الراشدون المهدیون وان طاعتکم مفروضة وان قولکم الصدق وانکم
دعوتم فلم تجابوا وامرتم فلم تطاعوا وانکم دعائم الدین وارکان الارض ولم
تزالوا بعین الله ینسخکم فی اصلاب کل مطهر وینقلکم فی ارحام المطهرات لم تدنسکم
الجاهلیة الجهلاء ولم تشرک فیکم فتن الاهواء طبتم وطاب منبتکم من بکم علینا دیان الدین
فجعلکم فی بیوت اذن الله ان ترفع ویذکر فیها اسمه وجعل صلواتنا علیکم رحمة
لنا وکفارة لذنوبنا اذ اختارکم لنا وطیب خلقنا بما من علینا من ولایتکم وکنا عنده
مسمین بعلمکم معترفین بتصدیقنا ایاکم وهذا مقام من اسرف واخطا واستکان و
اقر بما جنی ورجی بمقامه الخلاص وان یستنقذه بکم مستنقذ الهلکی من الردی
فکونوا لی شفعاء فقد وفدت الیکم اذ رغب عنکم اهل الدنیا واتخذوا آیات الله

هم واستكبروا واعتهنا يا من هو قائم لا يسهو ودائم لا يلهو ومحيط بكل شيء لك
المن بما وفقتني وعرفتني بما ائتمنتني عليه اذ صد عنهم عبادك وجهلوا امرهم
واستخفوا بحقهم ومالوا الى سواهم فكانت المنة منك علي مع اقوام خصصتهم
بما خصصتني به فلك الحمد اذ كنت عندك في مقامي هذا مذكورا مكتوبا فلا تحرمني
ما رجوت ولا تخيبني فيما دعوت بعد از آن هر دعا که خواهی بکن و بهتر زیارات در
هر یک از اماکن شریفه که در روضات مطهره هر یک از ائمه زیارت جامعه کبیره است که کامل ترین
زیارات است **مطلب چهارم** در بیان زیارت سایر اماکن است که در بقعه شریف
مدفون هستند پس بعد از فراغ از زیارت ائمه بقیع مناسب است که زیارت نماید
ابراهیم فرزند رسول خدا صلعم را در بقیع و همچنین حضرت عبد المطلب و حضرت فاطمه بنت اسد و دیگر
سایر صحابه و تابعین که در مکان شریف مدفون هستند بعد از آن برود بکوه احد
و زیارت نماید جناب حمزه و سایر شهدا را و در زیارت جناب حمزه چنین گوید السلام
عليك يا عم رسول الله وخير الشهداء السلام عليك يا اسد الله واسد رسوله
اشهد انك قد جاهدت في الله ونصحت لرسول الله وجدت بنفسك وطلبت ما
عند الله ورغبت فيما وعد الله بعد از آن دو رکعت نماز تحیت و ثواب آن را هدیه نماید
با حضرت و در زیارت سایر شهدا چنین وارد شده است که بعد از آنکه رو بقبور
رسید در آنجا بگوید السلام عليكم اهل الديار انتم لنا فرط وانا بكم لاحقون و آیة
توحید و سوره از قرآن تلاوت نماید و ثواب آن را هدیه کند بارواح شریفه ایشان و در رکعات نماید

صحیح روایت شده است که جناب رسول خدا صلعم و جمله بر سر قبور شهدا امیر مومنین
السلام عليكم بما صبرتم فنعم عقبى الدار **مطلب پنجم** در بیان اماکن شریفه که در مدینه
مشرفه است که نماز و عبادت کردن در آنها مطلوب است و آن چند مکان است **اول**
مسجد قبا که مشهور به مسجد ذی القبلتین است و آن اول مسجدی است که جناب رسول خدا صلعم
در آن نماز کرده‌اند بعد از هجرت از مکه معظمه و مراد بمسجدی که در سوره برائت مذکور است که
فرموده‌اند لمسجد اسس على التقوى من اول يوم احق ان تقوم فيه این مسجد است **دوم**
مسجد فضیخ است و سبب تسمیه آن چنانچه در حدیث وارد است این است که یکی از درختان
مسجد بوده است مسمی بفضیخ لهذا او را مسجد فضیخ می‌نامند و در این مسجد رد شمس شده تا جناب
امیر المومنین صلوات الله علیه نماز را در وقت درک نماید **سیم** مشربه ام ابراهیم است
یعنی غرفه مادر ابراهیم فرزند رسول خدا صلعم در حدیث است که شخصی بخدمت حضرت صادق ع
عرض کرد که ما می‌رویم بمساجدی که در اطراف مدینه است کدام یک ابتدا نمائیم حضرت جواب
فرموده‌اند که ابتدا بکن بمسجد قبا پس نماز بسیار بکن در آن مسجد بعد از آن برو بمشربه ام ابراهیم
و نماز کن در آن که او مسکن جناب رسول خدا صلعم و مصلای آنحضرت بوده بعد از آن برو بمسجد
فضیخ پس دو رکعت نماز در آن مسجد بکن بعض از علما فرموده‌اند که مشربه ام ابراهیم
در این زمان معروف نیست **چهارم** مسجد احزاب است که بر کوهی واقع است و مسجد
فتح نیز می‌گویند و این مسجد بر سر کوهی است که در آن دعا بخوانند یا صريخ المكروبين ويا مجيب
دعوة المضطرين اكشف همي وغمي وكربي كما كشفت عن نبيك همه وغمه وكربه

کمتر هول علیّ في هذا المكان و همچنین مستحب است هر گاه ممکن شود از برای کسی که
در مدینه در سه روز که روز چهارشنبه و پنجشنبه و جمعه باشد روزه بگیرد و این سه روز را خواه قصد
اقامه کرده باشد خواه نکرده باشد و سنت است در شب چهارشنبه نزد ستونی که مشهور است
باسطوانه ابولبابه که اسطوانه توبه است نماز کند و در شب پنجشنبه سنت است که نماز کند نزد ستونی که
پهلوی آن است و در شب جمعه نماز کند نزد ستونی که محاذی محراب آنحضرت است و اگر ممکن باشد
که کسی اعتکاف نماید در این سه روز بهتر است در اول نزد ستون ابولبابه و در دویم نزد ستونی
که پهلوی آن است و در جانب منبر و بالا نزد ستونی که محاذی محراب است **فصل سیم**
در بیان وداع مدینه است در وقتی که عزم داری و خواستی که بیرون روی از مدینه بیرون روی
غسل کن و بعد از آن مشرف شوی بقبر جناب رسول خدا صلعم و بعد از زیارت آن سرور عالم و طلب
حوائج خود از خلاق عالم مثل آنچه در مقام وداع آنحضرت چنین بگو اللهم لا تجعله آخر
العهد من زيارة قبر نبيك فإن توفيتني قبل ذلك فإني أشهد في مماتي على ما
شهدت عليه في حياتي أن لا إله إلا أنت وأن محمدا عبدك ورسولك صلى الله
عليك يا رسول الله ولا جعله الله آخر تسليمي عليك و در مقام وداع ائمه بقیع علیهم
السلام از زیارت ایشان این زیارت بخوان السلام عليكم سلام مودع لا سئم ولا قال
ورحمة الله وبركاته عليكم يا أهل بيت النبوة سلام ولا راغب عنكم ولا مستبدل
بكم ولا مؤثر عليكم غيركم ولا منحرف عنكم ولا زاهد في قربكم لا جعله الله آخر العهد
زيارة قبوركم وإتيان مشاهدكم والسلام عليكم وحشرني الله في زمرتكم وأوردني

حوضکم

حوضكم وجعلني من حزبكم وأرضاكم عني ومكنني في دولتكم وأحياني في رجعتكم وملكني
في أيامكم وشكر سعيي بكم وغفر ذنوبي بشفاعتكم وأقال عثرتي بحبكم وأعلى كعبي
بموالاتكم وشرفني بطاعتكم وأعزني بهداكم وجعلني ممن انقلب مفلحا منجحا غانما سالما
معافى غنيا فائزا برضوان الله وفضله وكفايته بأفضل ما ينقلب به أحد من زواركم
ومواليكم ومحبيكم وشيعتكم ورزقني الله العود ثم العود أبدا ما أبقاني ربي بنية صادقة
وإيمان وتقوى وإخبات ورزق واسع حلال طيب اللهم لا تجعله آخر العهد
من زيارتهم وذكرهم والصلاة عليهم وأوجب لي المغفرة والرحمة والخير والبركة
والفوز والنور والإيمان وحسن الإجابة كما أوجبت لأوليائك العارفين
بحقهم الموجبين طاعتهم الراغبين في زيارتهم المتقربين إليك وإليهم بأبي
أنتم وأمي ونفسي وأهلي ومالي اجعلوني في همكم وصيروني في حزبكم وأدخلوني في
شفاعتكم واذكروني عند ربكم اللهم صل على محمد وآل محمد وأبلغ أرواحهم وأجسادهم
مني السلام والسلام عليه وعليهم ورحمة الله وبركاته وصلى الله على محمد
وآله وسلم تسليما كثيرا وحسبنا الله ونعم الوكيل **فصل دوم** در باب زیارت
جناب سید اولیا ... در کتاب شریف ... از حضرت صادق ع که هر که زیارت نماید
امیر المؤمنین ع را پیاده بنویسد خداوند عالم از برای او بهر گامی حجه و عمره و اگر سواره
پیاده بنویسد خداوند عالم از برای او بهر گامی دو حج و دو عمره و آنجناب فرمودند زیارت
ع ابن ابیطالب ع معادل دو حج و دو عمره باشد و نیز فرمودند هر که زیارت کند امیر المؤمنین

در حالتیکه عارف باشد بحق آنجناب مبرور است خداوند عالم از برای هر گامی حجی مقبول و عمره
مبرور در قسم بجز اگر مبعوث شوند خداوند عالم آتش را بعید میکند غبار نشسته بر او در زیارت امیر المؤمنین
پیاده باشد یا سواره و در حدیث از حضرت صادق منقولست که فرمودند با حذیفة الیمانی بنظر در
باشم تو پس حاضر شو روز غدیر نزد امیر المؤمنین پس بدرستیکه خداوند عالم می آمرزد از برای
هر مؤمن و مؤمنه و مسلم و مسلمه گناه شصت ساله را و آزاد میکند از آتش دو مقابل آنچه آزاد
میکند در شهر رمضان و در شب قدر و در شب عید فطر **وصل سیم** در زیارت حضرت سید الشهداء
علیه الاف التحیة والثنا بدانکه سنت مؤکدست زیارت سید الشهداء حتی آنکه وارد شده از ائمه
که زیارت آنجناب فرض است بر هر مؤمنی که اقرار دارد بامامت آنحضرت از جانب خدا
و وارد شده است که اگر کسی ترک نماید زیارت آنجناب را ترک نموده حقی از حقوق
رسول خدا از جمله آنکه حق حسین هم فریضه است از خداوند عالم و واجبست بر همه کس و
وارد شده است که ترک زیارت آنجناب عقوق رسول خداست و عقوق ائمه اطهار
و در حدیث است که حق است بر غنی زیارت آنجناب در سالی دو دفعه و بر فقیر در سالی یکدفعه و
وارد شده است که هر گاه کسی بمیرد و ترک زیارت کرده باشد بر سر قبر آنحضرت کوتاه میکند خداوند عالم از عمر او
یکسال را و همچنین وارد شده است که آن باعث طول عمر است و آنکه زیارت آنجناب سبب رزق است و
تمحیص از ذنوب و آنکه رفع میکند زیرا که از دریافت و غرق شدن و سوختن و خوردن درنده
کان او را و آنکه بر میدارد غم را و میبرد کفاره گناهان را و آنکه از برای هر گامی ثواب حجی است
و به برداشتن هر گامی ثواب عمره و آنکه از برای کسی که سبب زیارت آنحضرت یا معرفت بحق

آنحضرت

آنحضرت باشد اجر آزاد نمودن هزار بنده و مثل کسی است که سوار نماید بر هزار اسب زین دار لجام
دار در راه خدا و جهاد در آنکه از برای اوست بهر درهمی که انفاق میکند در راه آنحضرت ده
هزار درهم و آنکه هر کس بیاید بر سر قبر آنحضرت در حالتیکه عارف باشد بحق آنحضرت از بنده میشود
که ... ساقی و الا ... و آنکه زیارت آنحضرت بهتر است از بیست حج و عمره و آنکه هر که
زیارت کند آنحضرت را در روز عرفه از برای اوست ثواب هزار هزار حج با امام قائم و هزار هزار عمره
با رسول خدا و آزاد نمودن هزار هزار بنده و فرستادن هزار هزار اسب در راه خدا و آنکه
زیارت آنجناب در اول رجب باعث مغفرت گناهانست البته و در نصف شعبان باعث آنست
مصافحه نماید با او روح صد و بیست و چهار هزار نبی و در شب قدر باعث آمرزش گناهانست
و آنکه هر که زیارت نماید آنحضرت را در شب نیمه شعبان و شب فطر و شب عرفه در یکسال ایرا
اوست ثواب هزار حج مبرور و هزار عمره مقبوله و قضای هزار حاجت از حوائج دنیا و آخرت
و آنکه هر که زیارت نماید آنحضرت را در روز عاشورا در حالتیکه عارف باشد بحق آنحضرت از
دور هر گاه ممکن نشود از نزدیک خصوصا در روز عاشورا لیکن در کیفیت زیارت عاشورا
از دور ... واقع شده است در کلمات علما اوسط هر نسخه که هر گاه ابتدا نماید اول السلام
علیک یا ابا عبد الله السلام علیک و رحمة الله و برکاته و بعد از آن دو رکعت نماز زیارت
بکند احتیاطا و بعد از آن صد مرتبه بگوید و اگر کسی نیز بگوید کفایت میکند بلکه نماز زیارت بیست
و کفایت میکند و بعد از آن شروع در زیارت مشهور نماید و بعد از فراغ از دعا بگوید در
آخر زیارت سنت دو رکعت نماز نماید و سنت است بعد از نماز بگوید اللهم انی لک صلیت و لک

وسجدت لك بجسدي وحدك لا شريك لك لانه لا يجوز الصلوة والركوع و
السجود الا لك لانك انت الله لا اله الا انت اللهم صل على محمد وآل
محمد وابلغهم افضل السلام والتحية واردد علي منهم السلام اللهم وهاتان
الركعتان هدية مني الى سيدي ومولاي الحسين بن علي عليهما السلام اللهم صل على محمد
وآله واجعلهما مني واجرني عليهما افضل املي ورجائي فيك وفي وليك يا ولي
المؤمنين و اگر خواهد بجا آورد شش رکعت نماز دیگر بکند یا یکدو رکعت بعد از صلوة ظهر
یعنی دو رکعت بعد از صلوة عصر پیش از سلام و دو رکعت متصل بسجده و پس از سجده بگوید [illegible] بود
بکند نهایت [illegible] **فصل سیم** در کفارات حج است و در ان چند مطلب است
مطلب اول در کفاره صید است بدانکه واجب است در کشتن شتر مرغ بدنه و این شتر [illegible]
داخل در سال ششم شده باشد چه نر باشد چه ماده لیکن احتیاط در دادن ماده است و در کشتن
نجرو وحشی یا حمار وحشی بقره اهلیه داده باشد و هرگاه [illegible] یا [illegible] صید [illegible]
دادن [illegible] و هرگاه ممکن نشود از دادن بدنه یا بقره یا شاه واجب است قیمت
گندم بخرد یا غیر آن از طعام لیکن گندم احوط است و طعام کند شصت مسکین هر کدام
[illegible] مسکین هر کدام قیمت بقره باشد و ده مسکین هر کدام قیمت شاه باشد و اگر زیاد [illegible]
[illegible] لازم نیست دادن آن و هرگاه کم باشد واجب نیست تمام نمودن آن [illegible]
واجب است دادن آن بهر فقیری یک مد است بنا بر اقوی و دو مد است بنا بر احوط [illegible]
[illegible] است و هرگاه عاجز باشد از دادن [illegible] [illegible] [illegible] بدل قیمت [illegible] روزه

[illegible]

دارد قیمت [illegible] از [illegible] قیمت شاه ده روز و هرگاه عاجز شود از روزه گرفتن [illegible]
کفایت میکند روزه گرفتن [illegible] روز هرچند [illegible] [illegible] شده و هرگاه عاجز
از روزه گرفتن [illegible] کفایت میکند روزه گرفتن [illegible] روز و هرگاه از گرفتن [illegible] روز
[illegible] کفایت میکند روزه گرفتن [illegible] روز و واجب است [illegible] هرچند در غیر حرم باشد در
کشتن [illegible] کبوتر [illegible] گوسفند و در کشتن جوجه ان [illegible] و در کشتن تخم ان [illegible]
هرگاه در حرم باشد و در کشتن کبوتر یک درهم و در جوجه ان نصف درهم و در تخم ان ربع
درهم [illegible] باشد و هرگاه [illegible] باشد نصف درهم و هرگاه [illegible] [illegible]
[illegible] در حرم [illegible] در حرم باشد واجب است بران [illegible] و واجب است [illegible]
گوسفند [illegible] اول [illegible] نصف درهم [illegible] درهم و ربع ان درهم
[illegible] و در کشتن [illegible] [illegible] باشند [illegible] باشند و در [illegible]
و در کشتن [illegible] [illegible] و واجب است در کشتن [illegible] [illegible]
باشد [illegible] [illegible] احتیاط است که [illegible] [illegible] واجب
[illegible] و در کشتن یک ملخ واجب [illegible]
[illegible] از طعام [illegible] واجب است [illegible] و هرگاه ملخ بسیار [illegible]
[illegible] اگر [illegible] [illegible] ملخ [illegible] [illegible] بسیار [illegible] بود
[illegible] و هرگاه [illegible] از [illegible] خود [illegible] کفی از طعام تصدق کند [illegible] هرگاه [illegible] احوط
[illegible] [illegible] اگر [illegible] قیمت [illegible] داد

و اگر از انواع مرغ صغیر بچه ذبح کرده باشد احوط آنست که گوسفندی بدهد و در این حکم
داخل است اردک و قاز و کلنگ و سایر مرغان و واجبست در شکستن تخم شتر مرغ هرگاه جوجه
در آن تلف شود بعد از آنکه حرکت کرده باشد شتر جوان بدهد و هرگاه حرکت نکرده باشد واجبست
بعدد تخم شتر مرغ شتر ماده که بهم رسانیده باشد نر بر آن بجهاند هر بچه حاصل شود هدی قرار دهد
از برای خانه خدای که صرف شود در مصارف خانه کعبه و هرگاه از این عاجز شود بجای
هر تخم یک گوسفند بدهد و اگر از آن نیز عاجز شود ده مسکین را طعام کند و اگر عاجز شود
اگر از آن نیز عاجز شود سه روز روزه بگیرد و در شکستن تخم قطاه هرگاه جوجه در آن حرکت کرده
واجبست یک گوسفند کوچک بدهد و مشهور آنست که حکم تخم کبک نیز چنین است هرگاه
جوجه حرکت نکرده باشد واجبست که بجهاند نر گوسفند را بر ماده بعدد تخم و هرچه بهم رسد هدی
کعبه کند و اگر عاجز شود حکم آن حکم تخم شتر مرغ است که گذشت و هرگاه شریک شوند جمعی در
کشتن صید واجبست بر هر یک که فدیه بدهند **مطلب دوم** در کفاره سایر محرمات احرام
بدانکه هرگاه شخصی جماع کند با زن خود چه در قبل و چه در دبر پیش از آنکه از عرفات بگذرد یا
از وقوف مشعر الحرام عمداً و عالم بوده باشد بمسئله حج او فاسد میشود و واجبست که تمام
کند حج را و بدنه بدهد و در سال آینده حج کند خواه این حجی که فاسد کرده است واجب باشد یا سنت
و میان علما خلافست در آنکه حج اول فرض است و دوم عقوبت یا آنکه اول فاسد است و دوم حج
و ظاهر اول است هر چند عمل باحتیاط احسن است و فرق نیست در وطی در حال دانسته و نکه
در حکم نیست ام در جنبه و وطی بغلام بلکه بهیمه بنابر احوط و زن هرگاه مطاوعه باشد موافقت
بازوج

بازوج و اگر راضی بوده است و بعد از آن راضی بوده است واجبست بر آن انچه بر مرد واجب است از
حج دادن بدنه و حج نمودن در سال بعد و هرگاه زوجه راضی نبوده است و با کراه قبول کرده
لازم است زوج کفاره بدهد از زوجه با آنکه یک بدنه بلکه آن داده باشد لکن حج
صحیح است و حج در سال بعد بر آن نیست چنانچه تمام آنچه ذکر شد در صورتی بود که عالم
بحکم باشد و اما هرگاه جاهل بمسئله باشد یا فراموش کرده باشد بر آن چیزی نیست
و واجبست که هر یک از زوج و زوجه از دیگری جدا شوند هرگاه بموضع خطیئه برسند تا سال
دیگر تا در حج دیگر تمام کنند و بهتر آنست که جدا باشند تا بهمان موضع برسند و احوط
بلکه اقوی آنست که در حج اول نیز از هم جدا شوند تا بهمان موضع برسند و احوط آنست که
اگر در عبور آن راه بر گردند چون بموضع رسیدن از یکدیگر جدا شوند و معنی جدائی
آنستکه با یکدیگر خلوت نکنند مگر آنکه سیم دیگری باشد و اگر با هم نباشند درست است
باشد و اگر جماع کند بعد از وقوف مشعر الحرام با زن خود و اگر چه طواف نساء کرده باشد
بعض از آن کرده باشد یا پیش از سر با زن حج فاسد شود و لکن بدنه حلال نشود
باشد در این چند صورت حج او فاسد نمیشود و لازم است که بدنه بدهد
و هرگاه طلب کند محرم زنی را خارج شده است بلعب زوجه و با زوجه بدنه واجبست برابر
بدهد بلکه بعضی قایل شده اند که حج او فاسد می شود و قضا باید در سال آینده
هرگاه باشد قبل از وقوف مشعر الحرام باشد و اگر جماع کند کسی با کنیز خود و محرم باشد
با زن او احرام بسته باشد و محلی شده از کنیز کفاره را او آن بدنه است یا گاوی یا گوسفندی

پریشان باشد گوسفندی بدهد یا سه روز روزه بگیرد ولیکن جمعی ذکر کرده اند که هرگاه کسی عالم
بحرمت داشته باشد و مطاوعت کند و ابا نکند لازم است بر او دادن شتری که بدنه
باشد و بدنه آن است که هفت روز باید روزه بگیرد و آن احوط است و هرگاه محرم پیش از طواف
نساء کرده باشد و جماع کند با علم بحرمت حج آن صحیح است ولیکن معصیت کرده است و لازم است
بر او کفاره بلکه جمعی گفته اند که اگر چهار شوط کرده باشد بر او کفاره لازم نیست ولیکن
احوط دادن کفاره است در هر دو صورت و اگر محرمی عقد کند از برای محرمی و آن
محرم وطی کند واجب است بر هر دو کفاره که دادن بدنه باشد بلکه هرگاه عقد کننده محل
باشد کفاره لازم است بر هر دو بنابر احوط و اقوی و اگر کسی نگاه کند بغیر اهل خود و از او منی
بیاید اگر غنی است واجب است بدنه بدهد و اگر میانه حال است گاوی و اگر فقیر است گوسفندی
و اگر نگاه باهل خود کند و از او منی بیاید بر او چیزی نیست مگر آنکه بشهوت نگاه کرده باشد
و منی آمده باشد که در این صورت واجب است بر او دادن بدنه و اگر بشهوت دست بگذارد بر
اهل خود باید بر او چیزی نیست هرچند منی از آن بیاید و اگر بشهوت دست بمالد واجب است
گوسفند بدهد مطلقا چه منی آمده باشد چه نیامده باشد و اگر ببوسد زن خود را از روی
شهوت واجب است شتری بدهد و اگر بغیر شهوت باشد واجب است گوسفندی بدهد و اگر
کسی با اهل خود دست بازی کند تا منی بیاید واجب است بر هر یک از مرد و زن دادن شتری
و هرگاه بگوش دادن بکلام زن یا بمجامعت منی بیاید واجب نیست بر او چیزی مگر آنکه عادت داشته باشد
منی داشته باشد در این صورت احوط دادن بدنه است بلکه همچنین است هرگاه قصد داشته باشد

هرچند

هرچند عادت نداشته باشد و هرگاه محرم استعمال بوی خوش بکند چه در خوراک و چه
مالیدن بدن و چه بخور دادن واجب است یک گوسفند بدهد هرگاه عالم باشد بحرمت آن و عمدا
مرتکب شده بلکه هرگاه استعمال نکرده باشد قبل از احرام و در حال احرام بوی آن باقی باشد
واجب است بر او دادن گوسفندی چنانچه بعضی حکم کرده اند و آن احوط است و با آنکه بکلی
کهنه و اگرچه اثر او از زعفران برده باشد و با آنکه خبر به [illegible] مانند سیب و به و نارنج و ترنج
لیکن احوط اجتناب است از بوی اینها اگرچه بگذرد و در حال خوردن بینی خود را بگیرد و کفاره
نیست در بوی کردن گلها هرچند احوط اجتناب است و اگر بغیر اختیار یا نادانی استعمال کند
بوی خوش را بر او چیزی نیست و واجب است بر کسی که ترک کند هر ناخنی مدی از طعام
و اگر ناخن دست و پا را در یک مجلس بگیرد یک گوسفند بدهد و اگر هر یک را در یک مجلس
بگیرد دو گوسفند بدهد و ظاهر است که حکم بعض ناخن حکم تمام ناخن است و هرگاه محرم زر
دوخته بپوشد واجب است بر او بجهت پوشیدن هر جامه یک گوسفند هرچند که به سرما
یا گرما مضطر شده باشد لیکن در صورت اضطرار حرمت ندارد بلکه واجب است بر بعض
او ثابت شود و هرگاه محرم تراشد موی سر را واجب است بر او دادن گوسفندی یا اطعام شش
مسکین بهر مسکینی دو مد یا ده مسکین را بهر مسکینی یک مد و روزه گرفتن سه روز و اینها
مختار باشد و در هر سه یا مضطر باشد و بعض تعمیم داده اند حکم در غیر موی سر و آن
احوط است مگر در کندن موی زیر بغل که هرگاه هر دو را بکند واجب است گوسفندی بدهد
و هرگاه یکی را بکند واجب است اطعام سه مسکین کند و هرگاه ریش یا موی سر را دست بمالد و از آن

موی بکند واجبست تصدق کند کفی از طعام یا از سویق و بعضی تعمیم داده اند حکم را در هر موی غیر
سر و ریش و هرگاه افتادن موی با غبار رسیدن بودن در وضو نماز یا غیر نماز باشد
واجب نیست بران چیزی و هرگاه در زیر سایه رود در وقت راه رفتن واجبست گوسفندی
بدهد و هرگاه بپوشاند سر را بجامه یا گل بر سر مالد که سر را بپوشاند یا سر را در آب فرو برد واجبست
گوسفندی بدهد و هر محرمیکه عمدا بپوشد چیزیرا که حلال نیست براو یا کرد چیزیرا که حلال
نیست بر آن غیر چیزهائیکه مذکور شد واجبست براو گوسفندی بدهد و اگر از روی نادانی
یا فراموشی باشد براو چیزی نیست و هرگاه محرم یک قسم دروغ بخورد واجبست گوسفندی بدهد
و اگر دو قسم دروغ بخورد گاوی بدهد و اگر سه قسم بخورد شتری بدهد و اگر سه قسم راست بخورد
گوسفندی بدهد و هرگاه انگشتر بپوشد چیزی بران نیست و هرگاه استعمال کند روغن خوش
بوی در حال احرام هر چند از روی اضطرار باشد واجبست یک گوسفند بدهد و بعضی گفته اند
که لازم است گوسفندی بکندن دندان بدهد و آن احوط است و هرگاه درخت بزرگی
از حرم بکند خواه محرم باشد و خواه محل واجبست گاوی بدهد و اگر درخت کوچک بکند
واجبست گوسفندی بدهد و اگر شاخی از آن بشکند قیمت آنرا بدهد و مدار از کوچک بودن
و بزرگ بودن بر عرف است و در متوسط مشکوک گوسفند کفایت میکند هر چند احتیاط
خوبست و کفاره [illegible] در کندن گیاه حرم و بعضی گفته اند که قیمت آنرا بدهد و آن احوط است
۳۲ **مطلب سیم** درباره از لواحق بدانکه هرگاه جمع شود چند سبب مختلف مثل پوشیدن و ناخن
گرفتن و بوی خوش کردن لازم است بران بسبب هر یک یک کفاره خواه در یک مجلس باشد

وخواه

و خواه بیشتر و خواه بجهت اول کفاره داده باشد و خواه نداده باشد و اگر مکرر وطی کند واجبست
مکرر بدهد کفاره را هر چند در یک مجلس مکرر شده باشد بنابر احوط و اقوی چه کفاره داده
باشد از اول چه نداده باشد و اگر مکرر سر تراشیده باشد واجبست مکرر بدهد کفاره
هرگاه در مجلس متعدد شده باشد یا تکفیر [illegible] و هرگاه در یک مجلس شود بنابر احوط و اقوی
و هرگاه مکرر جامه بپوشد یا بوی خوش بو کند احوط است که از جهت هر جامه و هر مرتبه
پوشیدن کفاره بدهد هر چند در یک مجلس باشد و یک نوع باشد و در وجوب کفاره ازانچه
گذشت در جهل هر که از روی فراموشی یا نادانی واقع شود مگر در صید که در همه احوال کفاره
در آن لازم است والحمد لله حمدا کثیرا والصلوة والسلام علی
من اتبع الهدی وقد وقع الفراغ فی
تاریخ شهر رمضان المبارک ۱۲۶۲

۲۲